

شماره ۶۱-۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۴

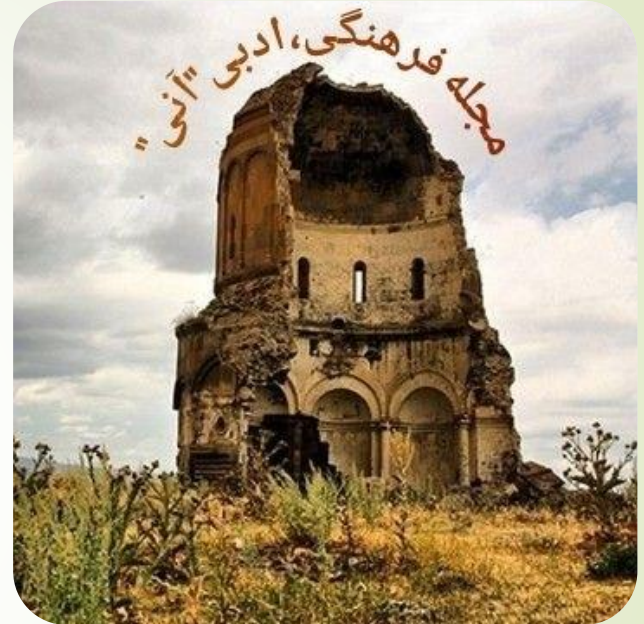
www.aniletters.com

نخستین مجله ۵ زبانه
در ۵۰ صفحه



مصاحبه با جناب آقای
"محمد مهدی ارجمندی"
مستند ساز و تاریخ پژوه

-تقسیم بندی های طبقه اجتماعی در جامعه
غربی امروز
- جهانی سازی و ابزارهای جهانی شدن
-آفرینش و تطور انسان از نظر ادیان گوناگون
-تاریخچه مجسمه سازی



Անի Շարժարժերը

..... مقدمه

..... بزرگان شعر

..... شعرشاعران

..... ادبیات ارمنی

..... ادبیات ایران

..... ادبیات جهان

..... تبلیغات

..... سینما



وقایع اجتماعی نیروی جبری بر افراد وارد میکنند اما مردم غالباً آن را تحت اختیار و انتخاب خود قلمداد میکنند.

طراح وبسایت: داوود محمد کیا
@Esher. Official



دسته بندی موضوعی: ادبیات
دوره انتشار: دو هفته نامه
مدیر مسئول: آنیتا- آرزو مانیان
شماره: شصت یک

پست الکترونیکی:

www.ani.arzoomanian@yahoo.com

تلگرام:

t.me/aniletters

اینستاگرام:

[@Anita_Arzoomanian](https://www.instagram.com/Anita_Arzoomanian)

وب سایت:

www.aniletters.com
www.anipoetry.ir

ادوین آرزومانیان

خرید، فروش و تعمیرات تخصصی لپ تاپ
و قطعات.
شماره تماس:

۰۹۱۰۱۴۴۹۹۶۶

قلم زنی و نقره سازی ادوارد

ساخت انواع منسوجات نقره جهت سفارش با
شماره تلفن های زیر تماس حاصل فرمایید.

۶۶۷۱۰۰۳۹

۰۹۱۹۵۰۸۸۵۳۶

دکتر بهزاد هوشمند

متخصص و جراح بیماری های لته و ایمپلنت

۲۲۰۱۹۳۶۶

۲۲۰۱۹۰۷۳

آلبرت آرستاکس یانس

قلم زنی دستی سبک تبریزی روی فلزات
گرانها، ساخت و تعمیر انواع ظروف و زیور
آلات.

جهت سفارش با شماره تلفن زیر تماس حاصل
فرمایید.

۰۹۱۹۰۲۶۶۵۵۲

VinA

تدایر پمپ وینا

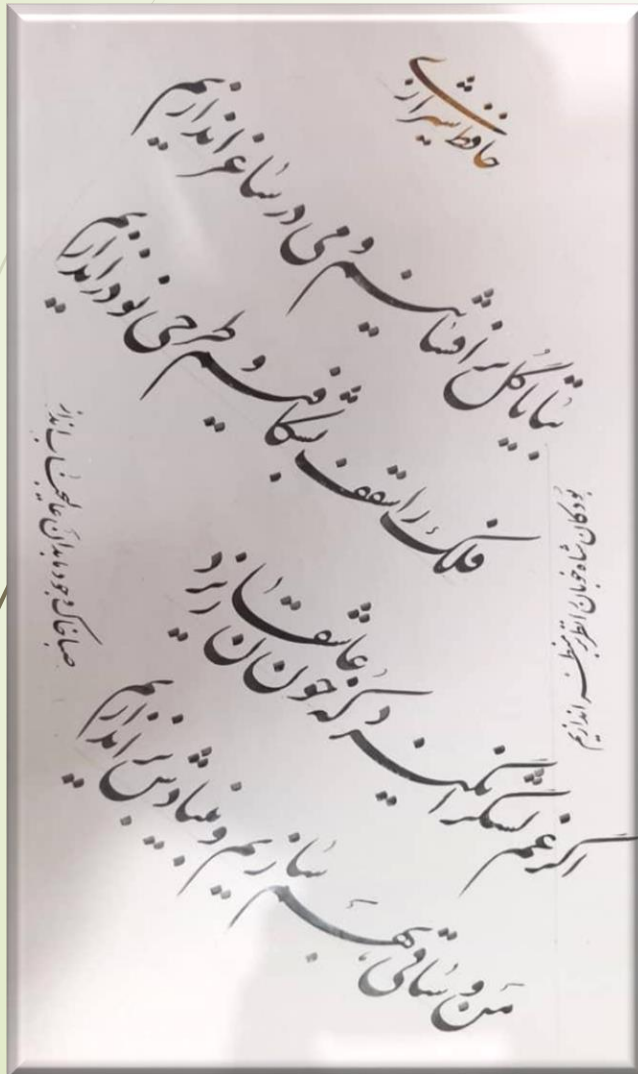
راشل اوتالیان (رئیس فروش)

تهران خیابان شریعتی - بالاتر از پل
سیدخندان، خیابان مجتبایی، ابتدای خیابان
دیانا، پلاک ۱- واحد ۲

۰۹۱۲۴۹۸۲۱۱۴

۲۲۸۹۲۳۳۵

مدرس انجمن خوشنویسان ایران



قطعه ناب

قطعه ناب که با یک قلم تازه زده
 کرسی و دور نگه کن که چه اندازه زده
 نقطه‌ها را به دوایر چه نکو جا داده
 همچو گل‌های لطیفی که به دروازه زده
 تا دل شب قلمش رقص کنان چرخیده
 نام خود را چو نوشته کمی خمیازه زده
 رقص موزون حروف است که با پنجه ناب
 در کتاب دل من زخمه به شیرازه زده
 این همه قطعه ناب و قلم سحرانگیز
 شهره در خط شده و بر همه آوازه زده
 «کاوه» اینک تو و این قصه پرلذت خط
 باز هم در عجبی! دور هم اندازه زده!

خطاط:

علی ملک



@Ali.malek.art



راه های ارتباطی با مجله ادبی_ آنی
برای ارسال آثار خود.

واتساپ و تلگرام ۰۹۲۲۳۷۸۹۱۸۰

[@anita_arzoomanian](https://www.instagram.com/anita_arzoomanian)

دایرکت [@aniarzoumanian](https://www.instagram.com/aniarzoumanian)

آنیتا آرزومانیان

Follow



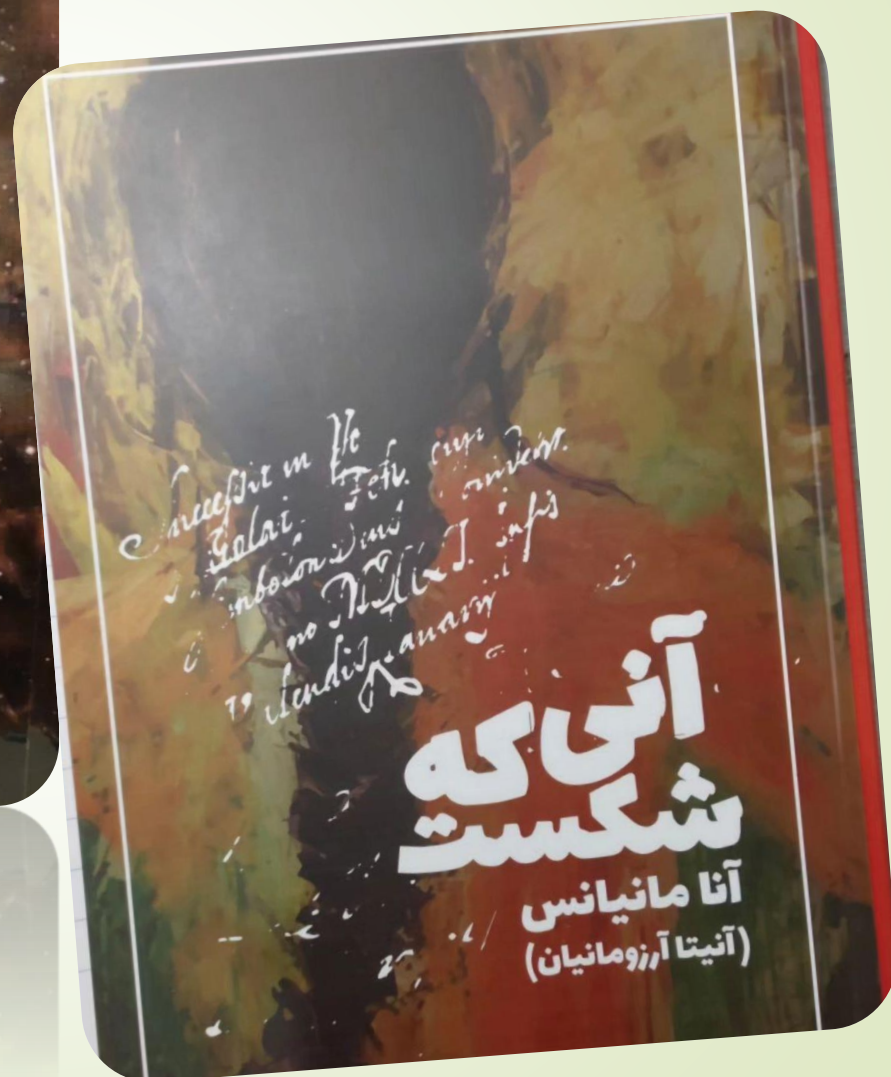
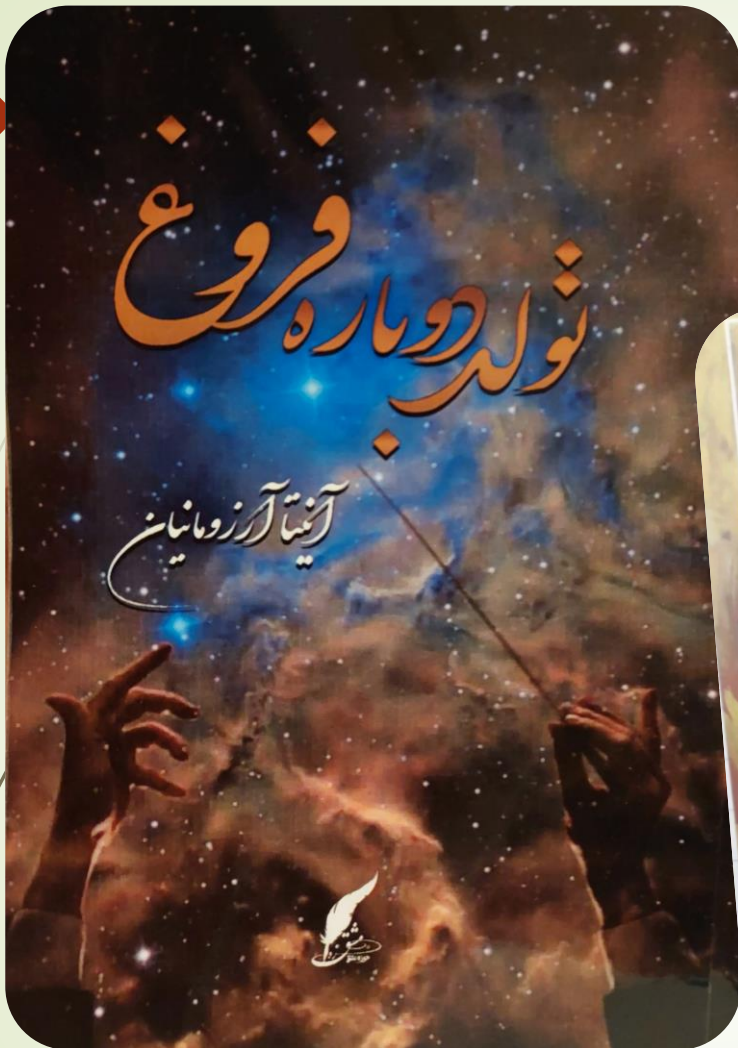
آنی

سیلور

برای سفارش با شماره تلفن زیر

تماس حاصل فرمایید.
۰۹۱۹۵۰۸۸۵۳۶

ویا به دایرکت پیام دهید
[@ann.isilver](https://www.instagram.com/ann.isilver)



Քրիստոնյա բանաստեղծներն անտեսում էին հնագույն բանավոր ժառանգությունը, նրանց ոգեշնչման հիմնական աղբյուրը հավատքն ու Աստվածաշունչն էին: Այդ նկատառումով էլ վաղ հայկական պոեզիան գրեթե ամբողջությամբ հոգևոր է: Այդ քնարերգության ամբողջությունն իր ձևով արտահայտում է միայն կրոնական զգացումներ: Չնայած վաղ հոգևոր պոեզիան զարգանում էր աստվածաշնչյան երբայական քնարերգության նախատիպով, սակայն դրա վրա ամենամեծ ազդեցությունն ունեցել է հունական հոգևոր պոեզիան: Այդ ազդեցության չափը, սակայն, վերջնականապես որոշված չէ: Միջնադարյան հայ քնարերգության պատմության մեջ կարևոր հանգրվան է **Գրիգոր Նարեկացու** ստեղծագործությունը, որը 10-11-րդ դարերի սկզբին իր հումանիստական գաղափարներով ամփոփեց նախորդ դարերի նվաճումները^[22]:



Ստեփանոս Օրբելյանի «Ողբ Սուրբ Կաթողիկե վանքի դռան մոտ» բանաստեղծության հրատարակությունը 1304 թվականին, Դոնի Նախիջևան, 1790

یادداشت های دکتر احمد نوری زاده گزیده ای از مجموعه «ماندگاران خاطره های من» تهیه و تدوین: ایساک یونانسیان

اکنون، بعد از چهار پنج دهه، آن مرد را با آن موهای جوگندمی و عینک و عصا در سالن غذاخوری پانسیون متروپل و کوچه های کردمحلّه غازیان مجسم می کنم و به خود می گویم «پسر در شش هفت سالگی کنار چه غول های بزرگ فرهنگی دم زده ای». یادش به خیر...

اکبر مشکین، هنرمند بزرگ رادیو و تئاتر، نصرت رحمانی، اسماعیل شاهرودی، آرمان، بهروز وثوقی، ویگن و دیگران چهره هایی هستند که در نوجوانی و جوانی من ظهور کرده اند. اگر ضرورتی داشته باشد که گاه شمار سال ها و خاطره ها را رعایت کنم، در اینجا باید خاطره ساخته شدن فیلم عروس دریا و مسائل پشت پرده آن و ماجرای مربوط به ویگن و آرمان و بهروز وثوقی را ترسیم کنم. فکر می کنم سیزده چهارده ساله بودم که یک روز در کردمحلّه خبری مثل فشفشه پیچید که قرار است آرمان توی بندر انزلی فیلمی بسازد که ویگن و فروزان و بهروز وثوقی و سپهرنیا در آن نقش آفرینی خواهند کرد که خاطره های مربوط به آن را در دنباله این نوشتار قلمی خواهم کرد اما در اینجا گریزی می زنم به خاطره اکبر مشکین، هنرمند نامدار رادیو تلویزیون و تئاتر، که تاریخ هنر این سرزمین هرگز او را فراموش نخواهد کرد.

در قهوه خانه مادام آراکس، که توی میدان انزلی قرار داشت، کسان زیادی قهوه خورده اند و با خاطره های این پیرزن نازنین ارمنی، که با شوهر و برادرش از روسیه به ایران مهاجرت کرده و در انزلی ماندگار شده بود، آشنا شده اند. گویا، برادرش دستگاه لیمونادسازی را با خودش به ایران آورده بود و مادام آراکس با افتخار از این موضوع یاد می کرد. یادم است یک وسیله شیشه ای لیموناد همزنی، که عبارت از چند لوله به هم چسبیده شیشه ای بود، همیشه روی میزش قرار داشت

که در اثنای حرف هایش با انگشت سفید و لاغر چروکیده سبابه آن را به شنونده نشان می داد و می گفت: «قربونش برم، برادرم در روسیه پیش از انقلاب کارخانه لیموناد سازی داشت».

تقسیم‌بندی‌های طبقه اجتماعی در جوامع غربی امروز

مقدمه

11



(ب) ماکس وبر: دیدگاه چندبعدی

وبر با انتقاد از ساده‌سازی مارکس، سه بُعد متفاوت برای طبقه اجتماعی در نظر گرفت:

موقعیت اقتصادی **Income/Wealt**

موقعیت اجتماعی **Status/Prestige**

موقعیت سیاسی **Power**

او تأکید می‌کرد که منزلت اجتماعی می‌تواند

مستقل از ثروت شکل بگیرد، مثلاً یک استاد

دانشگاه ممکن است دارای منزلت بالا ولی درآمد

متوسط باشد.

طبقه اجتماعی یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در جامعه‌شناسی است که جایگاه افراد در ساختار اجتماعی را بر اساس معیارهایی چون درآمد، تحصیلات، شغل، و سبک زندگی تعیین می‌کند. جوامع غربی، به‌ویژه در سده‌های نوزدهم و بیستم، شاهد شکل‌گیری نظام‌های طبقاتی مدرن بوده‌اند، اما در دهه‌های اخیر، این تقسیم‌بندی‌ها دستخوش تغییراتی عمیق شده‌اند. در این مقاله، تلاش می‌کنیم با مروری بر چارچوب‌های نظری و بررسی تحولات معاصر، درک دقیق‌تری از وضعیت طبقات اجتماعی در غرب امروز به دست آوریم.

1. دیدگاه‌های نظری درباره طبقه اجتماعی

الف) کارل مارکس: طبقه بر اساس مالکیت ابزار تولید

مارکس جامعه را به دو طبقه اصلی تقسیم می‌کرد:

بورژوازی (طبقه سرمایه‌دار): مالک ابزار تولید و کنترل‌کننده سرمایه.

پرولتاریا (طبقه کارگر): فاقد مالکیت و وابسته به فروش نیروی کار برای بقا.

در نگاه مارکس، تضاد منافع میان این دو طبقه موتور محرک تاریخ و عامل اصلی تغییر اجتماعی است.

پير بورديو طبقه اجتماعي را نه فقط بر اساس سرمايه اقتصادي، بلکه بر پايه سرمايه فرهنگي (تحصيلات، سليقه هنري، شيوه صحبت کردن) و سرمايه نمادين (اعتبار اجتماعي) تحليل مي کند. از نظر او، طبقات با باز توليد سبک زندگي، سلطه خود را تداوم مي بخشند.

۲. ساختار طبقاتي در جوامع غربي امروز

با گذشت زمان، جوامع غربي از ساختار سنتي سه گانه (طبقه بالا، متوسط و پايين) عبور کرده اند و مدل هاي پيچيده تري براي تحليل طبقات شکل گرفته است. يکي از مدل هاي مهم، مدل هفت طبقه اي **BBC** در بریتانیاست که در سال ۲۰۱۳ منتشر شد.

مدل: BBC (Great British Class Survey)

اين مدل، جامعه را به ۷ گروه تقسيم مي کند:

طبقه ممتاز: Elite بسيار ثروتمند، داراي شبکه ارتباطي قوي و سرمايه فرهنگي بالا.

متخصصان مرفه: Established Middle Class تحصيل کرده، درآمد بالا، مصرف فرهنگي بالا.

طبقه متوسط فني: Technical Middle Class تخصص گرايان با درآمد بالا ولي شبکه اجتماعي محدود.

کارکنان نوظهور: New Affluent Workers جوان، درآمد متوسط، سبک زندگي فرهنگي مدرن.

طبقه سنتي کارگر: Traditional Working Class تحصيلات پايين تر، دارايي هاي اندک.

طبقه کارگر خدماتي: Emergent Service Workers کارگران بخش خدمات با مصرف فرهنگي بالا.

طبقه پيش کارگران: Precariat ناپايداري شغلي، فقر مزمن، مشارکت اجتماعي پايين.

اين تقسيم بندي به وضوح نشان مي دهد که امروز، ترکيب «فرهنگ»، «سرمايه اجتماعي» و «سبک زندگي» در کنار

درآمد و شغل، در تعيين طبقه اجتماعي نقشي حياتي دارد

در دهه‌های اخیر، طبقه‌ای بینابینی در جوامع غربی شکل گرفته که ویژگی‌های طبقه کارگر سنتی و طبقه متوسط سنتی را در هم می‌آمیزد. این طبقه شامل: فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با درآمد ناپایدار شاغلان در مشاغل خدماتی (تکنولوژی، آموزش، سلامت) افراد دارای مصرف فرهنگی بالا ولی دارایی اندک این گروه، اغلب دچار نوعی ناپایداری اقتصادی است اما از نظر نمادین و فرهنگی نقش مهمی در جامعه دارد.

۴. تحولات نوین: نابرابری، پرکاری و پرکاربردی

افزایش نابرابری:

با گسترش نئولیبرالیسم از دهه ۱۹۸۰، نابرابری درآمد و ثروت در جوامع غربی به طرز چشمگیری افزایش یافته است. امروزه، بخش کوچکی از جمعیت، مالک سهم عمده‌ای از ثروت است.

بازار کار ناپایدار:

با گسترش مشاغل قراردادی، فریلنسی و «اقتصاد گیگی» **Gig Economy**، امنیت شغلی کاهش یافته و بسیاری از افراد، هرچند شاغل‌اند، اما در دسته «طبقه پیش کارگران» یا «کارگران خدماتی ناپایدار» قرار می‌گیرند.

اهمیت فزاینده سرمایه فرهنگی:

با گسترش رقابت در آموزش عالی و گسترش پلتفرم‌های فرهنگی، سرمایه فرهنگی (زبان، سلیقه، هنر، دیپلماسی اجتماعی) بیش از پیش تعیین‌کننده موقعیت طبقاتی شده است.





طبقه اجتماعی در غرب امروز تأثیر مستقیمی بر موارد زیر دارد:
تحصیلات فرزندان: کودکان طبقات مرفه دسترسی به آموزش بهتر دارند.
سلامت جسمی و روانی: امید به زندگی در طبقات بالا بیشتر است.
فرهنگ و رسانه: الگوهای مصرف فرهنگی بسته به طبقه، متفاوت اند.
مشارکت سیاسی و مدنی: طبقات بالا حضور فعال تری در سیاست دارند.

نتیجه گیری

ساختار طبقاتی در جوامع غربی، برخلاف تصور رایج، نه تنها از میان نرفته بلکه پیچیده تر و چندلایه تر شده است. با گذار از مدل های ساده انگارانه سه طبقه ای، اکنون نیاز به تحلیل هایی چندبعدی داریم که عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین را همزمان در نظر بگیرند. در جهانی که شکاف طبقاتی هر روز عمیق تر می شود، بازاندیشی درباره مفهوم طبقه اجتماعی و ابزارهای سیاست گذاری برای کاهش نابرابری، امری حیاتی است.



شهیار قنبری



شهیار قنبری (زاده ۶ مرداد ۱۳۲۹) شاعر، ترانه‌سرا، آهنگساز، خواننده، نمایش‌نامه‌نویس، فیلم‌ساز، روزنامه‌نگار، مجری و برنامه‌ساز رادیو و تلویزیون ایرانی است. وی فرزند حمید قنبری دوبلور برجسته است.

کار ادبی را از نوجوانی آغاز کرد: برای نشریه اطلاعات کودکان داستان کوتاه می‌نوشت و گاه شعر نیز می‌سرود. سپس برای ادامه تحصیل به لندن رفت و در میانه دهه ۱۹۶۰ میلادی به ایران بازگشت.



چه بسیار خروس هایی که باور کرده اند
که خورشید با بانگ او طلوع میکند.

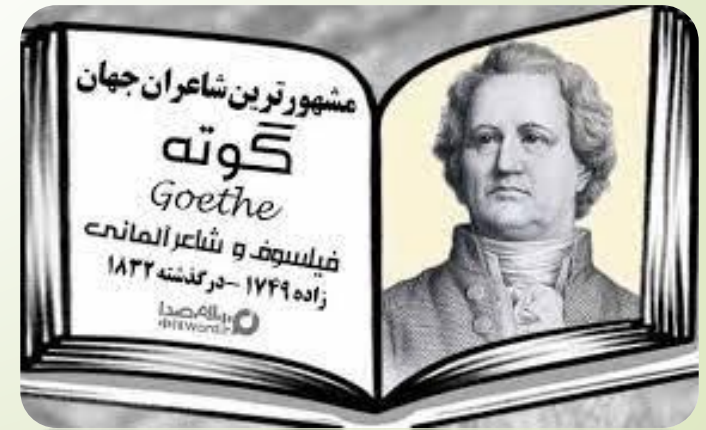
تئودور فونتانه

Vincenzo Cardile

(Savoca, 16 aprile 1761 – Palermo, 3 luglio 1837) è stato un presbitero, poeta e letterato italiano, cittadino del Regno di Sicilia, che produsse esclusivamente in Lingua siciliana.

آشوب و آشفتگی در سال های
پس از جنگ جهانی اول به جامعه
ای بهتر منجر نشد بلکه به ظهور
فاشیسم و جنگی دوباره انجامید.

انقلاب در قرن بیست و یک
کریس هارمن

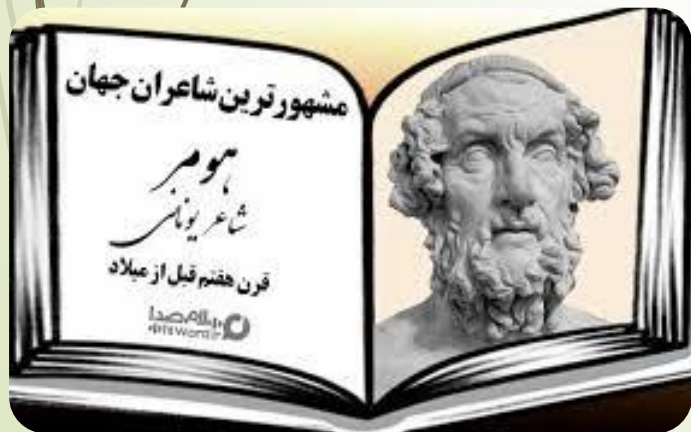


W. H. Auden (1907–1973)

W. H. Auden was one of the most influential poets of the 20th century, known for his wide-ranging intellect, technical mastery, and profound engagement with moral and political themes. Born in York, England, he studied at Oxford and became a central figure in a generation of British writers during the 1930s.

His early poetry was marked by political and social concerns, reflecting the turbulent interwar period. In 1939, just before World War II, Auden moved to the United States, where he later became a citizen. This move sparked controversy at home but also marked a turning point in his work, which grew more philosophical and spiritual over time.

Auden's poetry often blends traditional forms with modernist experimentation. He wrote on topics ranging from love and loss to politics, religion, and science. Among his most famous works are:



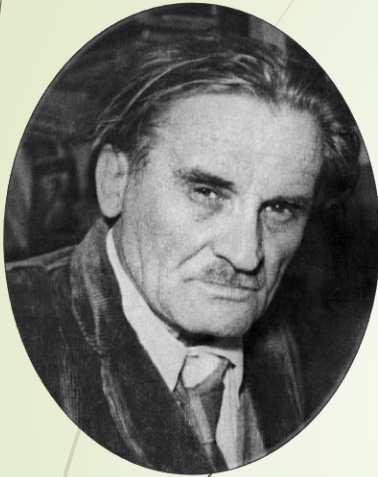
“Funeral Blues” (“Stop all the clocks...”), popularized in the film *Four Weddings and a Funeral*
 “September 1, 1939,” written on the eve of WWII
 “The Shield of Achilles”
 “In Memory of W. B. Yeats”



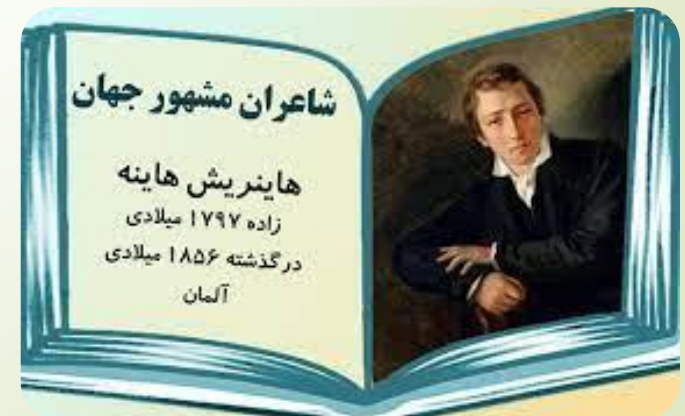
He also collaborated with other writers, such as Christopher Isherwood, and wrote librettos for operas with composer Benjamin Britten.

Auden was awarded the Pulitzer Prize in 1948 for his long poem *The Age of Anxiety*. He spent his later years traveling between New York and Europe, especially Austria, where he died in 1973.

Юрий Олеша



«Гейне, родившийся в 1801 году, называл себя первым человеком девятнадцатого века. Родившись на другом конце века, я могу назвать себя его последним человеком», — говорил о себе Юрий Олеша. Будущий писатель родился 3 марта 1899 года в Елисаветграде — сейчас это украинский город Кропивницкий. Его семья происходила из древнего рода польских дворян. Отец, акцизный чиновник Карл Олеша, до появления сына владел большим имением Юнище, но продал его за крупную сумму. От вырученных денег через несколько лет не осталось и следа: отец и дядя Юрия Олеша были азартными игроками в карты. «Я вспоминаю какую-то семейную ссору, сопровождающуюся угрозами стрелять из револьвера, и ссора эта возникает, как вспоминаю я, из-за остатков денег, тоже проигранных», — писал Олеша в книге «Ни дня без строчки». О былом богатстве напоминал только родовой герб — олень, рога которого украшала корона.





Ծնվել է 1956 թվականի դեկտեմբերի 19-ին, Կիրովականում:
 Հայրական պապը՝ Զուլոյանց Լևոնը, գաղթել է Կարսից:
 1963-1964 ուստարում սովորել է Կիրովականի թիվ 3
 գիշերօթիկում, ապա տեղափոխվել թիվ 6 միջնակարգ դպրոցը:
 1973 թվականին ավարտելով միջնակարգ դպրոցը ծառայել է
 ԽՍՀՄ զինված ուժերում:
 1982 թվականին աշխատանքի է անցել «Կիրշին» տրեստում
 որպես պատճենահանող:
 1982-1987 թվականներին սովորել է Կիրովականի
 մանկավարժական ինստիտուտի հայոց լեզվի և գրականության
 ֆակուլտետի հեռակա բաժնում:
 1985-1996 թվականներին աշխատել է «Կիրովականյան կյանք»
 ռադիոհաղորդումների խմբագրությունում որպես խմբագիր:
 1995 թվականից եղել է Հայաստանի գրողների միության անդամ:
 1996 թվականից մինչև իր կյանքի վերջը եղել է ՀԳՄ Լոռու
 մարզային բաժանմունքի նախագահ:
 Մահացել է 2000 թվականի հունիսի 14-ին Վանաձորում:
 Ժամանակակիցների վկայությամբ՝ ինքնասպան է եղել:





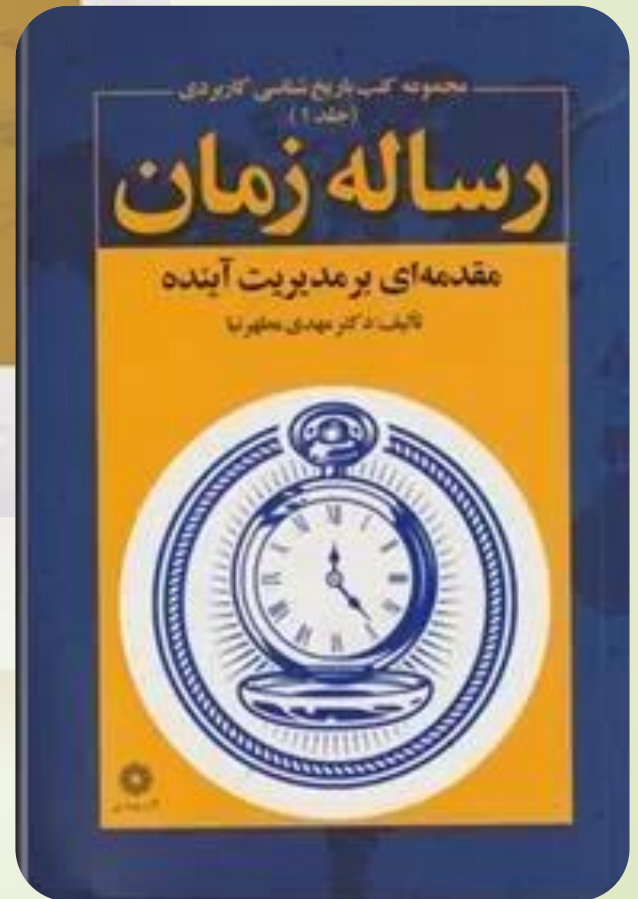
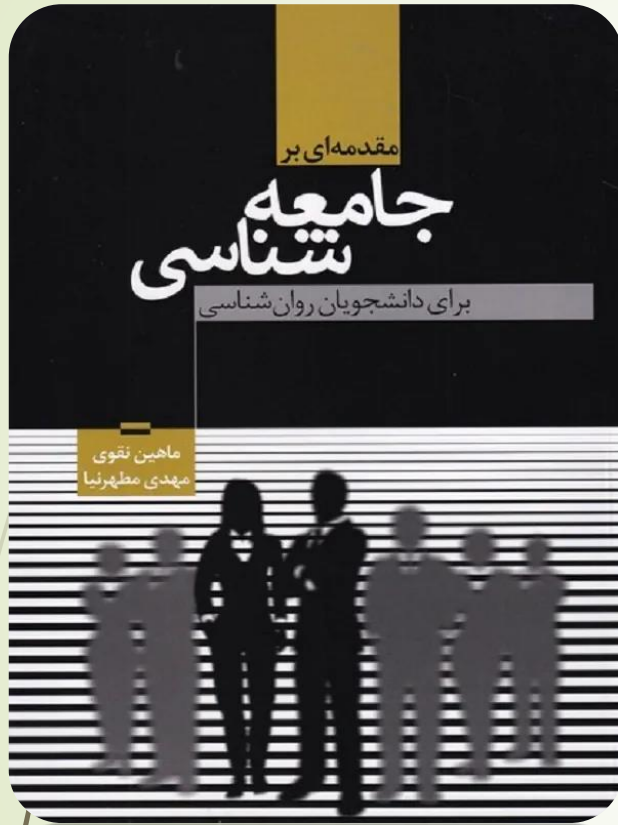
مهدی مطهرنیا (زاده ۲۳ بهمن ۱۳۴۴/کاشان) استاد

دانشگاه، تحلیل‌گر و نظریه‌پرداز سیاست داخلی و خارجی ایرانی است که رئیس اندیشکده سیمرخ نیز می‌باشد.

مهدی مطهرنیا سال‌ها استاد دانشگاه آزاد اسلامی در واحدهای قم، تهران مرکز؛ تهران شمال و استاد مدعو در دانشگاه‌های تهران، عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، و صیاد شیرازی در رشته‌های علوم سیاسی، آینده پژوهی، جامعه‌شناسی، و مدیریت فرهنگی بوده است. مطهرنیا از نظریه پردازان توسعه در ایران است و خود را تحول‌خواه می‌نامد.

مطهرنیا علاوه بر تدریس سابقه چندین سال همکاری با دانشگاه آزاد اسلامی در سمت ریاست پژوهشکده علوم اجتماعی و انقلاب دانشگاه آزاد اسلامی و نیز مدیریت و سیاست‌گذاری بخش‌های محتوایی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران را در کارنامه خود دارد. او در زمینه علوم اجتماعی و سیاسی، آینده پژوهی، ارتباطات و رسانه‌ها و نیز امنیت و عملیات روانی صاحب کتاب و مقاله است.

مفاهیمی چون «پرسمان» و «باریخ‌شناسی» و نظریه‌های «هارتلند بزرگ»، «اتاق شیشه‌ای» و «گوی بلورین» و «فلک بلورین یا آبگونه» (سه‌گانه‌های آبگینه) از آن اوست. وی مدتی نیز مدیر گروه آینده پژوهی انجمن علمی جامعه‌شناسی ایران، عضو شورا و اتاق فکر گروه آینده نگاری فرهنگستان علوم ایران و مسئول سرویس سیاسی مجله راه رشد بوده است.





در قرن هشتم بار مالیات وضع شده از سوی خلیفه بر دهقانان و پیشه وران سنگین تر شد و در آغاز قرن نهم به هنگام خلافت هارون الرشید ، اخذ مالیات به شکل غارت و چپاول مردم درآمد. افراد ۱۵ تا ۶۰ ساله مذکر ناگزیر از پرداخت مالیات سرانه و انواع مالیات های دیگر بودند.

در نیمه قرن هشتم حتی از مردگان هم مالیات دریافت می شد. در قرن های هفتم تا نهم میلادی وضع آرامنه ساکن در ارمنستان غربی تحت استیلای امپراتوری بیزانس نیز دستکمی از وضع آرامنه تحت سلطه اعراب نداشت. دهقانان که زیر سنگینی بار مالیات ها و ستم فئودال ها له شده بودند، به دلیل بدهکاری های بسیار به ارباب ، به بردگان و بندگان بدل شده بودند که ناگزیر از بیگاری برای مالک و فئودال بودند.

کلیساها نیز که خود به صورت زمینداران بزرگ درآمده بودند ، در ستم کردن بر کشاورزان و زحمتکشان ، از فئودال ها و ماموران امپراتوری عقب نمی ماندند.



زندگینامه کاساندان یکی از بخش‌های مهم تاریخ هخامنشیان است که به زندگی و نقش کلیدی همسر کوروش بزرگ، کاساندان، می‌پردازد. در این مقاله از بیتوته، به بررسی دقیق‌تر این شخصیت برجسته و تأثیرات او در تاریخ و فرهنگ ایران باستان خواهیم پرداخت.

کاساندان، همسر بزرگ کوروش کبیر و یکی از شخصیت‌های مهم تاریخ هخامنشیان، نقش ویژه‌ای در تاریخ ایران باستان ایفا کرده است. او که به نام‌های مختلفی از جمله کاسادان و کساندان شناخته می‌شود، نه تنها به عنوان همسر شاهنشاه هخامنشی بلکه به عنوان مادر یکی از بزرگ‌ترین پادشاهان تاریخ ایران شناخته می‌شود. زندگی او پر از داستان‌های جالب و ویژگی‌های منحصر به فردی است که نشان‌دهنده اهمیت و تاثیرگذاری او در دوره‌ی خود است. در این مقاله به بررسی دقیق‌تر زندگینامه کاساندان خواهیم پرداخت و به جزئیات مختلفی از زندگی او خواهیم پرداخت.



کاساندان: ملکه‌ای قدرتمند در دوره هخامنشی

25



کاساندان، ملکه ۲۸ کشور آسیایی و همسر اصلی کوروش بزرگ، به عنوان یکی از قدرتمندترین زنان در تاریخ هخامنشی شناخته می‌شود. او از تبار هخامنشی و خواهر هوتن، متحد داریوش بزرگ، و دختر فرناسپ، اشراف‌زاده هخامنشی بود. این اصالت و ریشه‌های قدرتمند او باعث شد تا در جامعه هخامنشیان به عنوان فردی با موقعیت برجسته شناخته شود.

بنا بر روایت‌های تاریخی، کاساندان در دوره‌ای که هخامنشیان در اوج قدرت خود بودند، نقش حیاتی در سیاست و فرهنگ ایران باستان ایفا کرد. او به عنوان ملکه‌ای که از جانب کوروش بزرگ انتخاب شده بود، نه تنها همسری وفادار بلکه مشاوره معتبر نیز بود. این موقعیت باعث شد تا او تأثیر زیادی بر تصمیمات سیاسی و اجتماعی آن زمان بگذارد.

خانواده کاساندان: نسل هخامنشیان و آینده‌سازان

کاساندان و کوروش بزرگ پنج فرزند داشتند: کمبوجیه، بردیا، آتوسا، آرتیستون و دختری که نامش در تاریخ ذکر نشده است. هر یک از این فرزندان نقش مهمی در تاریخ هخامنشیان ایفا کردند و میراث فرهنگی و سیاسی خود را به نسل‌های بعد منتقل کردند.



- **کمبوجیه:** پسر بزرگ کاساندان و کوروش که به عنوان شاهنشاه ایران بعد از پدرش برگزیده شد و تلاش کرد تا قلمرو هخامنشیان را گسترش دهد.

- **بردیا:** برادر کوچک تر کمبوجیه که به عنوان یکی از شخصیت های مهم تاریخ هخامنشیان شناخته می شود.

- **آتوسا:** دختر کاساندان که به عنوان همسر داریوش بزرگ، نقش مهمی در تاریخ ایران باستان داشت و تأثیر زیادی بر سیاست های هخامنشیان گذاشت.

- **آرتیستون:** یکی دیگر از فرزندان کاساندان که نقشی بارز در تاریخ هخامنشیان داشت و به عنوان یکی از مهم ترین شخصیت های دوره خود شناخته می شود.

- **دختری که نامش ذکر نشده است:** گرچه نام این دختر در تاریخ به ثبت نرسیده، اما او نیز به عنوان عضوی از خانواده هخامنشیان نقشی در تاریخ ایفا کرده است.

adam Dārayavauš
xšāyaθiya vazraka
xšāyaθiya
xšāyaθiyānām
xšāyaθiya
dahyūnām
Vištāspahyā puça
Haxāmanišiya

منم داریوش، شاه بزرگ، شاه
شاهان، شاه سرزمین ها، پسر
ویشتاسب، از خاندان
هخامنشی.

از کتیبه داریوش

کاساندان به عنوان همسر کوروش بزرگ و ملکه هخامنشی، آثار و نقش‌های زیادی در تاریخ ایران باستان داشت. او نه تنها به عنوان یک همسر وفادار بلکه به عنوان یک مشاور سیاسی و فرهنگی نیز شناخته می‌شد. زندگی او به نوعی نشان‌دهنده اوج قدرت و عظمت هخامنشیان در دوران خود بود.

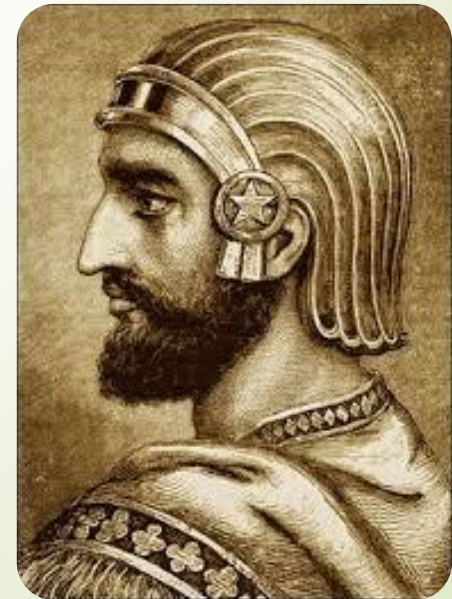
• **نقش در سیاست:** کاساندان به عنوان یکی از شخصیت‌های کلیدی در دربار هخامنشیان، نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی ایفا کرد. مشاوره‌های او به کوروش بزرگ و دیگر اعضای دربار، تأثیر زیادی بر سیاست‌های هخامنشیان داشت.

• **نقش در فرهنگ:** او همچنین به عنوان یک حامی بزرگ فرهنگ و هنر شناخته می‌شد. حمایت‌های او از هنرمندان و نویسندگان باعث شد تا فرهنگ هخامنشیان در دوران خود به اوج برسد و آثار هنری و فرهنگی مهمی به وجود آید.



درگذشت کاساندان و عزاداری عمومی

مرگ کاساندان، همسر محبوب کوروش بزرگ، به شدت بر روحیه هخامنشیان تأثیر گذاشت. طبق روایت‌های تاریخی، کوروش بزرگ پس از مرگ همسرش دستور داد تا عزاداری عمومی بزرگی برگزار شود. این مراسم که در بابل از ۲۷ آدار تا ۳ نیسان (۲۱-۲۶ مارس سال ۵۳۸ پیش از میلاد) برگزار شد، نشان‌دهنده احترام و محبت عمیق کوروش به کاساندان بود.



گاهی هم این حادثات ضمنی مستقل از یکدیگرند؛ مقام ، یعنی تصنیفهای غنایی دسته جمعی که بین دو حادثه ضمنی خوانده میشود است؛ خروج ، آخرین سروده همسرایان در پایان نمایشنامه است. هر نمایشنامه کمدی، مشتمل بر چندین تصنیف جدی یا خنده آور است.

آثار. آریستوفانس نزدیک به چهل نمایشنامه کمدی نگاشته ، که تنها یازده نمایشنامه او بازمانده است.

"آخارنه ای ها" (۴۲۵ ق. م). کهن ترین نمایشنامه کمدی موجود ، و برنده جایزه نخست در مسابقات آتن است. زمینه آن درخواست صلح با اسپارت ، و تقلید هجوآمیز هواداری اورپیدس از جنگ است (فرزندان هرکول و آندروماک). در این کمدی ،

رهبر خسته از جنگ آتن درصدد بر می آید با اسپارت محرمانه صلح کند، اما با مخالفت شدید جنگ طلبان روبه رو میشود. آخارانیه ای ها نمایشنامه ای است شیرین با صحنه هایی گیرا (مثل، فروختن دختران گرسنه مگاریایی؛ یا سرور و پایکوبی جشن دیونوسوس در پایان نمایش). این کمدی از نظر تهییج احساسات ، نمایشنامه ای بسیار قوی است.

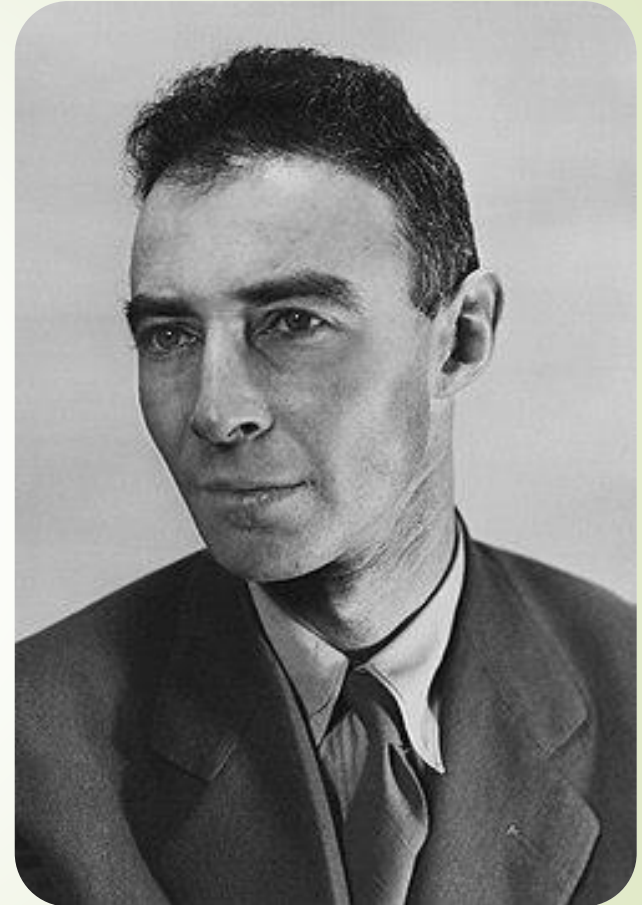
فیزیک‌دان نظری آمریکایی بود. او هنگام جنگ جهانی دوم رئیس آزمایشگاه لس‌آلاموس بود و به سبب نقشش در پروژه منهتن که در جنگ جهانی دوم به ساخت نخستین جنگ‌افزارهای هسته‌ای انجامید اغلب «پدر بمب اتمی» لقب گرفته است.

اوپنهایمر در دانشگاه هاروارد تحصیل کرد و در ۱۹۲۵، مدرک کارشناسی شیمی گرفت. سپس در دانشگاه کمبریج و پس از آن در دانشگاه گوتینگن در رشته فیزیک تحصیل کرد و در ۱۹۲۷ از آنجا دکترا گرفت. او در دانشگاه کالیفرنیا، برگلی و مؤسسه فناوری کالیفرنیا سمت‌های دانشگاهی داشت و نقش به‌سزایی در فیزیک نظری از جمله در مکانیک کوانتومی و فیزیک هسته‌ای ایفا نمود. در جنگ جهانی دوم، او برای کار در پروژه منهتن استخدام شد و در ۱۹۴۳، مدیر آزمایشگاه لس‌آلاموس در نیومکزیکو شد و در زمینه توسعه جنگ‌افزار هسته‌ای کار کرد. او از جمله نخستین شاهدان آزمایش ترینیتی بود که در آن نخستین بمب اتمی در ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۵ با موفقیت منفجر شد.

او سپس گفت که هنگام این انفجار به یاد قطعه‌ای از بهگود گیتا افتاده که گفته:

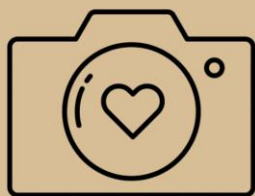
«خود مرگ شده‌ام، ویران‌گر دنیاها.»

در اوت ۱۹۴۵ از بمب اتمی برای بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی استفاده شد.





اوپنهایمر پس از پایان جنگ، رئیس کمیته مشاوره عمومی کمیسیون تازه تأسیس انرژی اتمی ایالات متحده آمریکا شد. او به منظور کنترل بین‌المللی انرژی هسته‌ای و در راستای جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای و مسابقه تسلیحات هسته‌ای با اتحاد جماهیر شوروی تلاش بسیاری کرد. در خلال بحث دولتی در سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۰ او با توسعه بمب هیدروژنی مخالفت کرد و درباره مسائل دفاعی موضع گرفت که خشم برخی جناح‌ها در دولت و ارتش ایالات متحده را برانگیخت. در دوره مک‌کارتیسم، موضع‌گیری‌های او در کنار ارتباطات گذشته‌اش با افراد و سازمان‌های وابسته به حزب کمونیست به لغو مجوز ورودش به جلسه‌ای بسیار بحث‌برانگیز در ۱۹۵۴ انجامید. او که از نفوذ مستقیم سیاسی برکنار ماند، به سخنرانی، نوشتن و فعالیت در فیزیک ادامه داد. ۹ سال بعد، رئیس‌جمهور جان اف. کندی، جایزه انریکو فرمی را به او به‌منزلهٔ اعاده حیثیت اعطا کرد. در سال ۲۰۲۲ پنجاه و پنج سال پس از مرگش دولت ایالات متحده تصمیم سال ۱۹۵۴ را باطل و وفاداری اوپنهایمر را تصدیق کرد. دستاوردهای اوپنهایمر در فیزیک، شامل تقریب بورن-اوپنهایمر برای توابع موج مولکولی، کار روی نظریه الکترون‌ها و پوزیترون‌ها، فرایند اوپنهایمر-فیلیپس در همجوشی هسته‌ای و نخستین پیش‌بینی تونل‌زنی کوانتومی است. همچنین او و دانش‌جویانش، سهم برجسته‌ای در نظریه مدرن ستاره‌های نوترونی و سیاه‌چاله‌ها، و مکانیک کوانتومی، نظریهٔ میدان‌های کوانتومی و برهم‌کنش‌های پرتوهای کیهانی داشتند. به‌عنوان معلم و مروج علم، او را پایه‌گذار مکتب فیزیک نظری آمریکایی می‌دانند که در دهه ۱۹۳۰ به شهرت جهانی رسید. او پس از جنگ جهانی دوم، مدیر مؤسسه مطالعات پیشرفته در پرینستون شد.



در قطعه خاقانی در نکته گیری بر عنصری که در صفحات قبل گذشت، خاقانی یکی از فرق های خود را با عنصری همین توجه به مضامین اخلاقی و معنوی یا به اصطلاح عرفانی می داند و میگوید عنصری فقط مرد قصیده بود و تغزل و مدح می سرود حال آنکه من به تحقیق (عرفان) و وعظ و زهد هم توجه دارم:

ز ده شیوه کان حیلت شاعری ست

به یک شیوه شد داستان عنصری

نه تحقیق گفت و نه وعظ و نه زهد

که حرفی ندانست از آن عنصری

و علت احترام امثال نظامی و خاقانی به سنایی هم همین است حال آنکه شاعرانی چون رشید و طواط و انوری سنایی را کسی نمی شمردند. قطعه خاقانی در باب سنایی در صفحات گذشته نقل شد. چند جای دیگر هم از او نام برده است و جایی میگوید علت آن که پدرم اسم مرا بدیل نهاد به سبب آن است که من می بایست بدیل سنایی باشم:

در آن مبین که ز پشت دروگری زاده است

کجا خلیل پیمبر هم از دروگر زاد

بدل من آمدم اندر جهان سنایی را

بدین دلیل پدر نام من بدیل نهاد

جهانی شدن فقط به معنای ارتباط سریع‌تر یا سفر آسان‌تر نیست، بلکه یک پدیده چندوجهی است که ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و تکنولوژیکی را در بر می‌گیرد. این فرآیند باعث افزایش وابستگی متقابل بین کشورها و جوامع می‌شود و مرزهای جغرافیایی را کمرنگ‌تر می‌کند.

ابزارهای کلیدی جهانی شدن با جزئیات بیشتر:

۱ / فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)؛ موتور محرکه اصلی:

اینترنت: نه تنها یک ابزار ارتباطی، بلکه پلتفرمی برای تجارت الکترونیک **e-commerce**، آموزش از راه دور **e-learning**، دسترسی به اطلاعات جهانی و تبادل فرهنگی بی‌سابقه است. سرویس‌هایی مانند گوگل، ویکی‌پدیا، آمازون و پلتفرم‌های ویدئویی مانند یوتیوب، مرزهای دانش و سرگرمی را در هم شکسته‌اند.

شبکه‌های اجتماعی: فیس‌بوک، توییتر، اینستاگرام و تیک‌تاک امکان ایجاد جوامع مجازی، سازماندهی جنبش‌های اجتماعی و سیاسی در سطح بین‌المللی و همچنین انتشار سریع اخبار و فرهنگ را فراهم می‌کنند. این پلتفرم‌ها کاربران را قادر می‌سازند تا با افرادی از سراسر جهان ارتباط برقرار کرده و ایده‌های خود را به اشتراک بگذارند.



ارتباطات سیار (موبایل): تلفن‌های هوشمند دیگر فقط ابزار ارتباطی نیستند، بلکه دروازه‌هایی به دنیای دیجیتال محسوب می‌شوند که دسترسی به اینترنت، اپلیکیشن‌های کاربردی، خدمات مالی و اطلاعات را برای میلیاردها نفر در سراسر جهان ممکن ساخته‌اند.

هوش مصنوعی و کلان داده (Big Data): این فناوری‌ها امکان پردازش و تحلیل حجم عظیمی از اطلاعات را فراهم می‌کنند که به کسب‌وکارها و دولت‌ها کمک می‌کند تا الگوهای جهانی، رفتار مصرف‌کننده و روندهای اجتماعی را بهتر درک کرده و پیش‌بینی کنند.



۲/ پیشرفت‌های چشمگیر در حمل و نقل:

حمل و نقل دریایی: کانتینرسازی (Containerization) انقلاب بزرگی در حمل و نقل کالا ایجاد کرد. استفاده از کانتینرهای استاندارد، بارگیری و تخلیه کشتی‌ها را بسیار سریع‌تر و ارزان‌تر کرده و امکان حمل مقادیر عظیم کالا را به صورت اقتصادی فراهم آورده است. این امر هزینه تولید و توزیع کالاها را در سطح جهانی به شدت کاهش داده است.



با اینکه جهانی شدن را غالباً به تغییراتی در نظام های "بزرگ" مثل بازارهای مالی جهانی، تولید و تجارت جهانی، و مخابرات نسبت میدهند، آثار و نتایج جهانی شدن با همان شدت و نیرو در حوزه خصوصی نیز احساس میشود.

حمل و نقل هوایی: توسعه هواپیماهای بزرگ و کارآمدتر، سفر هوایی را برای افراد بیشتری قابل دسترس کرده است. این امر هم برای گردشگری و هم برای سفرهای کاری و تجاری اهمیت فراوانی دارد. همچنین حمل و نقل سریع کالاهای با ارزش یا فاسدشدنی را ممکن می‌سازد.

زیرساخت‌های لجستیک: توسعه شبکه‌های ریلی مدرن، بزرگراه‌ها و بنادر پیشرفته، زنجیره تأمین جهانی را کارآمدتر کرده است.

۳/ ساختارهای اقتصادی و مالی جهانی:

آزادسازی تجاری: کاهش تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای در تجارت بین‌المللی توسط سازمان‌هایی مانند سازمان تجارت جهانی **WTO**، امکان ورود کالاها و خدمات به بازارهای مختلف را آسان‌تر کرده است.

بازارهای مالی جهانی: جریان آزاد سرمایه بین کشورها از طریق بورس‌ها، بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری، امکان تأمین مالی پروژه‌ها در سراسر جهان را فراهم می‌کند. این موضوع باعث رشد شرکت‌های چندملیتی **Multinational Corporations - MNCs** شده

است.

هرودت یکی از نخستین تاریخ نگاران یونانی است که در ۴۸۲ سال قبل از میلاد متولد شد و در ۴۲۰ سال قبل از میلاد نیز وفات یافت.



شرکت‌های چندملیتی **MNCs**: این شرکت‌ها با داشتن شعب، کارخانه‌ها و بازارهای فروش در کشورهای مختلف، نقش حیاتی در انتقال فناوری، سرمایه، مدیریت و استانداردها در سطح جهانی ایفا می‌کنند.

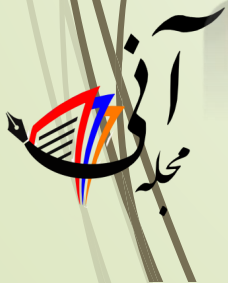
۴ / نهادها و توافق‌نامه‌های بین‌المللی:

سازمان ملل متحد **UN** و نهادهای تخصصی آن: مانند سازمان بهداشت جهانی **WHO**، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد **UNESCO** که در حوزه‌های مختلف همکاری‌های جهانی را سازماندهی می‌کنند.

اتحادیه‌های منطقه‌ای: مانند اتحادیه اروپا **EU** که نمونه بارزی از ادغام اقتصادی و سیاسی بین کشورها است و با حذف موانع داخلی و ایجاد بازارهای مشترک، الگویی برای سایر مناطق بوده است.

توافق‌نامه‌های بین‌المللی: مانند توافق پاریس در مورد تغییرات اقلیمی یا توافق‌نامه‌های مربوط به حقوق بشر، که تلاش‌هایی برای ایجاد چارچوب‌های مشترک برای حل مشکلات جهانی هستند.

۵ / گسترش فرهنگی و رسانه‌ای:





صنایع فرهنگی جهانی: فیلم، موسیقی، غذا و مد از فرهنگ‌های مختلف به سرعت در سراسر جهان منتشر می‌شوند. این تبادل فرهنگی می‌تواند به درک متقابل کمک کند، اما گاهی نگرانی‌هایی در مورد غالب شدن فرهنگ‌های قوی‌تر (مانند فرهنگ غربی) نیز وجود دارد.

رسانه‌های خبری بین‌المللی: شبکه‌های خبری ماهواره‌ای و آنلاین مانند **CNN, BBC, Al Jazeera** پوشش خبری رویدادها را در سطح جهانی فراهم می‌کنند و بر افکار عمومی تأثیر می‌گذارند.

تأثیرات متقابل:

این ابزارها همزمان که جهانی شدن را تسهیل می‌کنند، خود نیز تحت تأثیر آن تغییر می‌کنند. به عنوان مثال، پیشرفت در فناوری ارتباطات، کارایی حمل و نقل را افزایش می‌دهد و یا آزادسازی تجاری، شرکت‌های چندملیتی را قدرتمندتر می‌سازد.

روزی که لحد پرده به این چشم گرفت
دانی که حیات گل فرجام گرفت
آسودگی روزیست که دل پر شود از خاک
محنت نکشیده کو که آرام گرفت

#عباس ترابی



لحظه فروپاشی روانی
هنگامی که تمامی افکار
زیر بمباران سیاتمداران فاسد
میان جریان های فکری دموکراسی
و حقانیت حقوق انسانی
در سیاهچاله ها در جدالند
ققنوس ها بر فراز کوه ها
زرتشت و اهورامزدا را
دوباره از میان اعصار
بر دریاچه های انسانیت نمایان می سازند
و امید
در دستان کوروش کبیر
بار دیگر ظاهر میگردد. #آنیتا آرزومانیان

Մեծարեց

Կարմիր ծաղիկ մը գարունի
 Առտու մը ինձի նվիրեցիր.
 Ըզգացի թե տենդեր ունի
 Երազկոտ միտքըս ուշացիր:
 Խանդադատանք մը հորդեցավ
 Իմ նըվաղկոտ լանջքիս տակ՝
 Դողաց սիրո սարսուռն անցավ՝
 Ու թովանքը համբույրին հուր:
 Եվ ըղձակաթ իմ հեզ հոգիս
 Ըզգաց սիրտիդ հուրքն արծարծուն,
 Ու մետաքսե ուղի մը զիս
 Մեր-Ծաղիկին տարավ ածուն:

Հոն ժըպտեցավ կյանքը ինձի,
 Հըմայքներու հույլովն անցավ,
 Եվ ուրվական մը կասկածի
 Անոր մոտեն երբեք չանցավ:



دیدگاه فردگرایی روش
 شناختی برای تبیین تغییر
 اجتماعی به نظر می رسد که
 عوامل فرا فردی برای تبیین
 تغییر اجتماعی مفید هستند.



Не презирай толпы: пускай она порою
 Пуста и мелочна, бездушна и слепа,
 Но есть мгновенья, когда перед тобою
 Не жалкая раба с продажною душою,
 А божество – толпа, титан – толпа!..
 Ты к ней несправедлив: в часы ее страданий,
 Не шел ты к ней страдать.... Певец ее и сын,
 Ты убегал ее проклятий и рыданий,
 Ты издали любил, ты чувствовал один!...
 Приди же слиться с ней; не упускай мгновенья,
 Когда болезненно-отзывчива она,
 Когда от пошлых дел и пошлого забвенья
 Утратой тяжкою она потрясена!..

1881



Giacomo Leopardi L'infinito

Sempre caro mi fu quest'ermo colle,
e questa siepe, che da tanta parte
dell'ultimo orizzonte il guardo esclude.
Ma sedendo e mirando, interminati
spazi di là da quella, e sovrumani
silenzi, e profondissima quiete
io nel pensier mi fingo; ove per poco
il cor non si spaura. E come il vento
odo stormir tra queste piante, io quello
infinito silenzio a questa voce
vo comparando: e mi sovvien l'eterno,
e le morte stagioni, e la presente
e viva, e il suon di lei. Così tra questa
immensità s'annega il pensier mio:
e il naufragar m'è dolce in questo mare.



“Fire And Ice” by Robert Frost

Some say the world will end in fire,
 Some say in ice.
 From what I've tasted of desire
 I hold with those who favor fire.
 But if it had to perish twice,
 I think I know enough of hate
 To say that for destruction ice
 Is also great
 And would suffice.



خشیار شاه ، پادشاه هخامنش تصمیم
 گرفت که دین زرتشت را تبدیل به
 یک دین فراگیر جهانی کند.

آفرینش:

تأکید بر توحید: این ادیان بر این باور استوارند که یک خدای واحد و قادر مطلق جهان را خلق کرده است. این خدا فراتر از جهان مادی است و بر آن حاکم است.

خلقت از عدم: خدا جهان را "از هیچ" (**ex nihilo**) خلق کرد. این بدان معناست که قبل از آفرینش، هیچ چیز مادی وجود نداشت.

آدم و حوا: داستان آدم و حوا در باغ عدن نقش کلیدی دارد. آنها به عنوان اولین انسان‌ها، نماینده بشریت هستند و نافرمانی آنها (خوردن میوه ممنوعه) منجر به "سقوط" و ورود گناه و رنج به جهان می‌شود.

تصویر خدا: انسان‌ها به عنوان "تصویر خدا" (**imago Dei**) آفریده شده‌اند، که به معنای داشتن ویژگی‌هایی مانند عقل، اراده آزاد و ظرفیت برای عشق و ارتباط با خدا است. این ویژگی‌ها به انسان‌ها جایگاه ویژه‌ای در میان مخلوقات می‌بخشد.

تکامل:

خلقت گرای: این دیدگاه بر تفسیر لفظی کتاب پیدایش تأکید دارد و معتقد است که خدا جهان و همه موجودات زنده را در طی شش روز (به معنای واقعی) خلق کرده است. خلقت گرایان معمولاً با نظریه تکامل داروین مخالف هستند.

خلقت گرای روز-عصر: این دیدگاه معتقد است که "روزها" در کتاب پیدایش، دوره‌های طولانی‌تری از زمان (عصرها) را نشان می‌دهند. این دیدگاه سعی می‌کند بین داستان آفرینش و برخی از یافته‌های علمی (مانند سن زمین) سازش ایجاد کند.

تکامل گرایی خدا باورانه: این دیدگاه نظریه تکامل را می پذیرد، اما معتقد است که خدا روند تکامل را هدایت کرده است. به عبارت دیگر، خدا قوانین طبیعی را ایجاد کرده و جهان را طوری طراحی کرده است که تکامل به سمت انسان هوشمند هدایت شود.

آفرینش به عنوان استعاره: این دیدگاه داستان آفرینش را به عنوان یک داستان نمادین در نظر می گیرد که حقایق مهمی را در مورد رابطه بین خدا و انسان، و همچنین ماهیت وجود انسان، بیان می کند.

هندوئیسم:

آفرینش:

برهما، ویشنو، شیوا: در هندوئیسم، سه خدای اصلی وجود دارند که نقش مهمی در چرخه آفرینش، حفظ و نابودی دارند: برهما (خالق)، ویشنو (نگهدارنده) و شیوا (نابودگر).

مایا: جهان مادی به عنوان "مایا" (توهم) در نظر گرفته می شود، به این معنی که واقعیتهای مطلق نیست و در حال تغییر و تحول دائمی است.

تناسخ: روح (آتمن) پس از مرگ به بدن دیگری منتقل می شود (تناسخ). چرخه تناسخ بر اساس کارما (عمل و نتیجه آن) تعیین می شود.

هدف زندگی: هدف نهایی در هندوئیسم، رهایی از چرخه تناسخ (موکشا) و اتحاد با برهمن (واقعیت نهایی) است.

داشاواتارا: همانطور که قبلاً اشاره شد، ده تجسم ویشنو به عنوان نمادی از مراحل تکامل در نظر گرفته می‌شوند.

قانون کارما: قانون کارما به این معناست که اعمال ما در زندگی فعلی بر زندگی‌های بعدی ما تأثیر می‌گذارد. این قانون می‌تواند به عنوان نوعی مکانیسم تکاملی در نظر گرفته شود که در آن موجودات به تدریج از طریق تجربیات مختلف یاد می‌گیرند و تکامل می‌یابند.

تنوع دیدگاه‌ها: در هندوئیسم، دیدگاه‌های متنوعی در مورد رابطه بین علم و دین وجود دارد. برخی از هندوها یافته‌های علمی را با آموزه‌های مذهبی خود سازگار می‌کنند، در حالی که برخی دیگر به رویکرد سنتی‌تری پایبند هستند.

بودیسم:

آفرینش:

عدم تمرکز بر آفریننده: بودیسم به وجود یک خدای آفریننده اعتقاد ندارد. در عوض، بر این باور است که جهان و همه موجودات زنده به دلیل زنجیره علت و معلولی پیچیده‌ای به وجود آمده‌اند.

ناپایداری: یکی از اصول اساسی بودیسم، ناپایداری **anicca** است. این بدان معناست که همه چیز در حال تغییر و تحول دائمی است.

عدم خود: اصل دیگر، عدم خود **anatta** است. این بدان معناست که هیچ "خود" دائمی یا ثابتی وجود ندارد. هویت ما مجموعه‌ای از عناصر فیزیکی و ذهنی است که در حال تغییر هستند.

کارما و تناسخ: کارما (عمل) و تناسخ (تولد دوباره) مفاهیم مهمی در بودیسم هستند. اعمال ما در زندگی فعلی بر زندگی‌های بعدی ما تأثیر می‌گذارد.
تکامل:

سازگاری با تکامل: از آنجا که بودیسم بر ناپایداری و تغییر دائمی تأکید دارد، با نظریه تکامل به خوبی سازگار است.

تکامل آگاهی: بودیسم بر تکامل آگاهی و شفقت تأکید دارد. هدف نهایی در بودیسم، رسیدن به روشنگری (نیروانا) و رهایی از رنج است.
دیدگاه علمی: بسیاری از بوداییان مدرن به یافته‌های علمی احترام می‌گذارند و سعی می‌کنند آنها را با آموزه‌های بودایی ادغام کنند.

ادیان بومی:

آفرینش:

ارتباط با طبیعت: ادیان بومی اغلب ارتباط عمیقی با طبیعت دارند و داستان‌های آفرینش آنها معمولاً شامل عناصر طبیعی مانند حیوانات، گیاهان، رودخانه‌ها و کوه‌ها است.
اجداد: اجداد نقش مهمی در بسیاری از ادیان بومی دارند. آنها به عنوان واسطه بین انسان‌ها و دنیای معنوی در نظر گرفته می‌شوند.

داستان‌های شفاهی: داستان‌های آفرینش اغلب به صورت شفاهی منتقل می‌شوند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند.

تنوع: تنوع زیادی در داستان‌های آفرینش بومی وجود دارد، زیرا هر فرهنگ بومی داستان منحصر به فرد خود را دارد.
تکامل:

دانش سنتی: بسیاری از فرهنگ‌های بومی دانش عمیقی در مورد محیط زیست خود دارند و تغییراتی را که در طول زمان در گیاهان و حیوانات رخ می‌دهد، مشاهده می‌کنند.

حفاظت از محیط زیست: بسیاری از ادیان بومی بر اهمیت حفاظت از محیط زیست تأکید دارند.

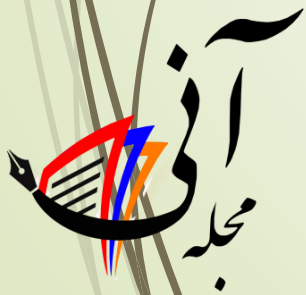
دیدگاه‌های معاصر: برخی از بومیان تلاش می‌کنند تا دانش سنتی خود را با یافته‌های علمی مدرن ادغام کنند.



The Persian language is known as one of the most important factors of connection between Iranian ethnic groups, including Armenians, Kurds, Turks, Lors, Baluchis, etc. This language is not only a tool for communication and dialogue, but also, as a cultural and identity-giving element, plays a significant role in the integration of different Iranian ethnic groups. Below are several aspects in which the Persian language is considered a factor of connection between Iranian ethnic groups:

1. Cultural Identity: The Persian language represents the shared history, culture, and traditions of the Iranian people. Poetry, prose, and literary works in Persian strengthen the shared cultural identity of all Iranians, regardless of ethnicity or place of residence.

2. Cultural exchange: Persian has been a language of science, literature, and art throughout Iranian history. This language can be a platform for exchanging thoughts and ideas between different ethnic groups and bring them closer together.



3. Education and Media: Given that Persian is the official language of Iran, education and mass media usually operate in this language. This allows people from different ethnic groups to easily receive information and news and become aware of each other.

4. Preventing division: The Persian language can act as a factor preventing division and separation between different ethnic groups. Since all Iranian ethnic groups are familiar with this language, they can live together and support each other.

5. Shared History: The Persian language is the foundation of a shared history that reflects various aspects of Iranian history, culture, and social life. This leads to the strengthening of ethnic and national bonds.

In general, the Persian language, as one of the most important factors that unite Iranian people, plays a vital role in creating solidarity and empathy among them.

علل تجزیه طلبی و حذف فارسی

Opinions and views related to pan-Islamism and attempts at separatism in countries usually stem from historical, political, social and cultural contexts. In the case of the Persian language, some groups and individuals may call for its role to be reduced or eliminated for the following reasons:

1. Ethnic identity: Some groups may believe that their local languages and cultures are threatened by the power of Persian. They may feel that Persian as an official language prevents the growth and development of local languages and their ethnic identities.

2. Political policies: Some political groups may seek to separate or disintegrate existing states and institutions. In this case, the elimination or weakening of the Persian language can be used as a tool to achieve separatist or independence goals.

3. History of Hostility and Conflict: There have been some events and ethnic conflicts in Iran's history that may create a sense of distrust in some individuals towards the Persian

language and dominant culture. These historical feelings can stem from negative feelings towards the language and general culture.



4. Foreign influence: Some countries, including the UK or other foreign powers, may encourage separatism or weaken national identity due to their political or economic interests. These countries may seek to increase their influence in the region by using minority or separatist groups.

5. Media and information manipulation: In some cases, media and information may portray the Persian language and Iranian society in a negative light, which can reinforce negative feelings among certain ethnic groups or groups.

Finally, it should be said that these issues may exist in general and in any society, and their interpretations can change depending on different attitudes and perspectives. It is important that conversations and discussions related to identity, language, and ethnicity are conducted with an eye to Iran's cultural and ethnic diversity.





مات و مبهوت به سقف نگاه می کردم.
آبی، طلایی، سبزی که مثل نفس خاموش
باغی گمشده بالا می رفت.
پرسیدم: «پیرمرد، چرا این رنگ‌ها؟»
گفت:

«خدایان از جایی گفتن پر از رود، درختان،
و خورشیدی که خاموش نمی شه.»
شاید هم...
فقط رویا بوده.
آرزویی که هیچ وقت جایی نساختنش.

من میان رویا گم شدم

La langue persane est reconnue comme l'un des principaux facteurs de connexion entre les groupes ethniques iraniens, notamment les Arméniens, les Kurdes, les Turcs, les Lors, les Baloutches, etc. Cette langue est non seulement un outil de communication et de dialogue, mais aussi, en tant qu'élément culturel et identitaire, elle joue un rôle important dans l'intégration des différents groupes ethniques iraniens. Voici quelques aspects pour lesquels la langue persane est considérée comme un facteur de connexion entre les groupes ethniques iraniens

1. Identité culturelle : La langue persane représente l'histoire, la culture et les traditions communes du peuple iranien. La poésie, la prose et les œuvres littéraires en persan renforcent l'identité culturelle commune de tous les Iraniens, indépendamment de leur origine ethnique ou de leur lieu de résidence.

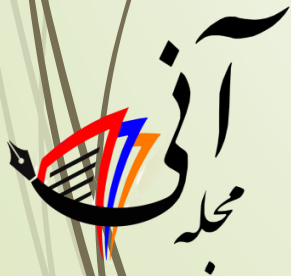
2. Échanges culturels : Le persan a été une langue de science, de littérature et d'art tout au long de l'histoire iranienne. Cette langue peut être un lieu d'échange de pensées et d'idées entre différents groupes ethniques et les rapprocher.

3. Éducation et médias : Le persan étant la langue officielle de l'Iran, l'éducation et les médias fonctionnent généralement dans cette langue. Cela permet aux personnes de différents groupes ethniques de recevoir facilement des informations et de se connaître.

4. Prévention des divisions : La langue persane peut contribuer à prévenir les divisions et les séparations entre les différents groupes ethniques. Comme tous les groupes ethniques iraniens la maîtrisent, ils peuvent vivre ensemble et se soutenir mutuellement.

5. Histoire commune : La langue persane est le fondement d'une histoire commune qui reflète divers aspects de l'histoire, de la culture et de la vie sociale iraniennes. Cela renforce les liens ethniques et nationaux.

En général, la langue persane, en tant que l'un des facteurs les plus importants qui unissent le peuple iranien, joue un rôle essentiel dans la création de solidarité et d'empathie entre eux.



Les opinions et points de vue relatifs au panislamisme et aux tentatives de séparatisme dans certains pays découlent généralement de contextes historiques, politiques, sociaux et culturels. Dans le cas de la langue persane, certains groupes et individus peuvent réclamer sa réduction, voire son élimination, pour les raisons suivantes :

1. Identité ethnique : Certains groupes peuvent penser que leurs langues et cultures locales sont menacées par la puissance du persan. Ils peuvent avoir le sentiment que le persan, en tant que langue officielle, entrave la croissance et le développement des langues locales et de leurs identités ethniques.

2. Politiques : Certains groupes politiques peuvent chercher à séparer ou à désintégrer les États et les institutions existants. Dans ce cas, l'élimination ou l'affaiblissement de la langue persane peut servir d'outil pour atteindre des objectifs séparatistes ou indépendantistes.

3. Histoire d'hostilité et de conflit : Certains événements et conflits ethniques ont marqué l'histoire de l'Iran, susceptibles de susciter chez certains un sentiment de méfiance envers la langue et la culture persanes dominantes. Ces sentiments historiques peuvent provenir d'une aversion pour la langue et la culture en général.

4. Influence étrangère : Certains pays, dont le Royaume-Uni ou d'autres puissances étrangères, peuvent encourager le séparatisme ou affaiblir l'identité nationale en raison de leurs intérêts politiques ou économiques. Ces pays peuvent chercher à accroître leur influence dans la région en s'appuyant sur des groupes minoritaires ou séparatistes.

5. Manipulation des médias et de l'information : Dans certains cas, les médias et l'information peuvent présenter la langue persane et la société iranienne sous un jour négatif, ce qui peut renforcer les sentiments négatifs parmi certains groupes ethniques ou groupes.

Enfin, il convient de souligner que ces questions peuvent exister en général et dans toute société, et que leurs interprétations peuvent varier selon les attitudes et les perspectives. Il est important que les discussions sur l'identité, la langue et l'ethnicité soient menées en tenant compte de la diversité culturelle et ethnique de l'Iran.



Translated by
Mahkameh ejtemaee fard





آغازگر ساخت مجسمه‌ها، بشری بوده که در هزاران سال قبل نیز خلاقیت خاصی برای تولید مجسمه - ها داشته است. اینکه در ۲۳۰۰۰۰ سال قبل - اولین نمونه‌های سنگی مجسمه‌ها کشف شده مربوط به آن زمان است - با چه هدف و انگیزه‌ای دست به ساخت اینگونه آثار می‌زدند برای تاریخ‌شناسان و باستان‌شناسان مشخص نیست.

اما آنچه این تاریخچه را جذاب و معنادار می‌کند؛ قدمت بالای این تولیدات توسط انسان‌هایی است که احتمال بسیار زیاد از تمدن نیز دور بوده‌اند و هدف از ساخت مجسمه‌ها برای برقراری ارتباط، عبادت و تفریح کودکان بوده است. اما بعد از ظهور تمدن، مجسمه‌ها به شکل پیکره خدایان ساخته شدند. در این مقاله سعی می‌کنیم به صورت گسترده به تاریخچه مجسمه‌سازی بپردازیم.

امروزه خرید مجسمه برنزی به دلیل زیبایی که به دکوراسیون داخلی می‌بخشد و استحکام بالایی که دارد، افزایش پیدا کرده است. خرید محصولات برنزی مانند مجسمه‌های برنزی می‌تواند دکوراسیون داخلی منزل شما را زیبا و جذاب کند. در این راستا انتخاب یک فروشگاه اینترنتی محصولات برنزی می‌تواند به شما کمک کند تا دکوراسیونی شیک و کلاسیک داشته باشید.

تاریخچه مجسمه سازی مصر باستان

هنر مصر باستان و مجسمه سازی مصر باستان برگرفته از عقاید این قوم به زندگی بعد از مرگ است. مصریان باستان بر این باور بوده‌اند که انسان پس از مرگ نیز زنده و قادر به حیات است و همراه مردگان خود علاوه بر وسایل و ابزارها، مجسمه‌هایی نیز دفن می‌کردند. معمولاً مجسمه مومیای فرعون‌ها و اشخاص مهم، بزرگ‌تر ساخته می‌شد و مجسمه‌سازان اعضای بدن را به صورت واضحی نشان می‌دادند و صورت‌ها غالباً نگاه رو به جلو و مشخصی داشت.

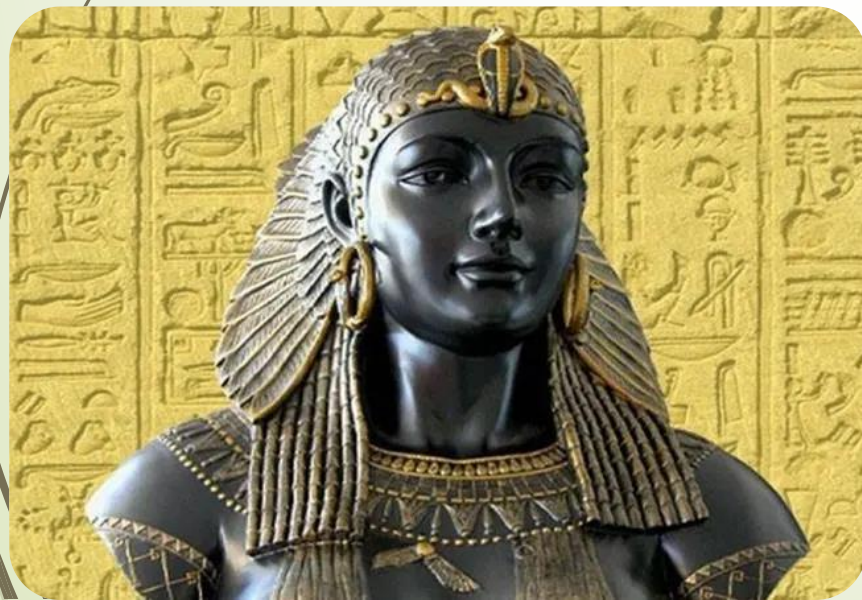


مجسمه‌سازی اولین فعالیت هنری انسان‌ها قبل از تاریخ بوده است. این هنر قبل از نقاشی و ساخت بنا توسط انسان‌ها انجام می‌شده است. حکاکی روی دیواره غار یا سطح زمین نخستین ترسیم‌های مربوط به بشر بود که عاملی جهت توسعه و پیدایش هنر مجسمه‌سازی بود. تنه‌های مردان، زنان، کودکان و تلفیقی از آنها، مجسمه‌هایی برای تکریم نیروهای طبیعت و عبادت این نیروها به عنوان مظاهر خوبی و یا بدی بودند.

نمونه‌هایی از مجسمه‌های کوچک و دکوری نیز وجود دارد که مصریان را در حال ماهیگیری، کشاورزی و امور روزمره زندگی نشان می‌دهد.

قدرت هنر تجسمی در بین مصریان به قدری زیاد بوده که جهت ایده‌پردازی معمولاً موجودات گوناگون را در یک مجسمه با یکدیگر ترکیب می‌کردند. به عنوان مثال صورت یک پادشاه با بدن شیر ترکیب می‌شد تا نشان‌دهنده هوش انسان و قدرت حیوان باشد.

یکی از نکاتی که از این مجسمه‌ها در مورد وضعیت تاریخی و اجتماعی جوامع می‌توان دریافت کرد این است که هرچه مجسمه‌ها از ظرافت و طراحی بالایی برخوردار می‌بودند نشان از قدرت هنر و رشد تمدن و فرهنگ در آن جامعه است. گاه یک مجسمه می‌توانست نشانه وضعیت حکومت باشد که غمگین، ضعیف و افتاده‌تر بودند ولی با قدرت گرفتن حکومت مصر این مجسمه‌ها اشکال قدرتمندی به خود گرفتند.



ادامه داستان "زهرمار" از مهربانو سیده زهره مقیمی

و بلند بلند گریه کردم. معلم که حالا دیگه بد جووری عصبانی شده بود.

-تو درست بشو نیستی دستات رو بیار بالا ببینم!

من شروع کردم التماس کردن.

-آقا تورو خدا ببخشید آقا تورو خدا...

معلم اصلا نمی شنید.

-دستات رو بیار جلو ببینم!

با ترس و وحشت دستم رو جلو گرفتم اولین ضربه رو که زد حس کردم دستم تاول زد به التماس

و گریه افتادم.

-آقا تورو خدا ببخشید.

می خواست ضربه دوم رو که بزنه دستم رو کشیدم. معلم که حالا غضبناک شده بود.

-دستت رو می کشی؟ بیار بالا ببینم! من با گریه...

-آقا تورو خدا غلط کردم.

معلم اصلا صدای من رو نمی شنید. فریاد زد بیار دستات رو بالا!

و چند تا ضربه ی کاری به دستام زد. من دیگه دستامو حس نمی کردم.

-فردا از این درس تصمیم کبری سه بار می نویسی زنگ اول می اری نشون میدی بعد میری

می شینی فهمیدی؟

من که جفت دستا رو کرده بودم زیر بغلم تا دردش کمتر بشه همون طوری با گریه...

-چشم آقا.



دفتر مشقم رو از روی میزش برداشت محکم کوبید تو سرم و گفت: -فهمیدی که چی گفتم؟
من همین طور اشک می ریختم.

-بله اقا فهمیدم.

-توی این دفتر هم ننویس به دردم نمی خوره!

-چشم اقا چشم...

دفترم رو برداشتم و رفتم نشستم سر جام. اون روز تا آخر زنگ دیگه با هیچ کس حرف نزد. فقط هرزگاهی به دستهای تاول زدم نگاهی می کردم که کاملا قرمز شده بود. زنگ که خورد به سمت خونه به راه افتادم یهو یادم افتاد که ننه گفته الو خشکه بخرم ببرم به سمت بقالی مشدغلامعلی رفتم دستهام خیلی می سوختن الو خشکه رو خریدم و رفتم خونه. از دلان خونه که رد می شدم بوی خیلی خوبی پیچیده بود. به طبقه بالا که رسیدم زن عموم رو دیدم که تو ایوون نشسته بود. با دیدنش دلم هوری ریخت.
-خدایا دیگه بدتر از این نمیشه.

سریع رفتم تو اتاق. همون لحظه ننه اومد تو اتاق گوشم رو گرفت پیچوند.

-تو رفتی به زن عموت گفتمی من می خوام ترش شورباسو درست کنم؟ ازش قابلمه گرفتی؟ مهرعلی معلومه داری چی کار می کنی؟ خجالت نمی کنی دورغ میگی؟ زن بیچاره دیشب از فکر ترش شورباسو خوابش نبرده الان م اومده که ببینه چرا براش نبردم.

تا خواستم حرفی بزنم.

-هیس ساکت باش اصلا از کارات خوشم نیاد. حالا الو خشکه خریدی یا نه؟

ننه از دستم خیلی دلخور بود و من ناراحت بودم هیچ وقت دوست نداشتم ننه م ازم ناراحت باشه. از تو کیفم الو خشکه رو در اوردم و دادم بهش ننه بدون اینکه نگاهم کنه گرفت و رفت. ولی دوباره برگشت تو اتاق و پرسید: -حالا قابلمه زن عموت رو چی کارش کردی؟

من نمی دونستم واقعا چی بگم از طرفی دوست نداشتم دوباره دورغ بگم سرم رو انداختم پایین.

-قابلمه ش همون بود که صبح شیر دادیم به همسایه.

ننه دیگه ادامه نداد.



هجدهم تیرماه، روز ملی ادبیات کودک و نوجوان
روزی که مقارن است با روز درگذشت مهدی آذریزدی
نویسنده و بازنویس خوب کشورمان در سال ۱۳۸۸ مییاشد.

انس کودکان با کتاب، تضمینی بر استحکام تربیت و
فرهنگی نسل آینده یک جامعه می باشد.



خدایا شروع سخن نام توست
وجودم به هر لحظه آرام توست
دل از نام و یادت بگیرد قرار
خوشم چونکه باشی مرا در کنار

سلام و عرض ادب و احترام خدمت شما همراهان همیشگی مجله _ آنی
امیدوارم حال دلتان عالی و روزگار بر وفق مرادتان پیش برود.

تاریخ شفاهی _ قصه بی تفاوت انسان هاست.داستان هایی که در عمق نگاه ها و در سکوت
لحظه ها پنهان مانده اند.این تاریخ نه در کتاب های قطور و نه در اسناد رسمی - بلکه در قلب
ها و زبان های زنده جریان دارد.

هر روایت، قطره ای است در دریای خاطره ها، که مانند نسیمی آرامه _ پرده های فراموشی
را کنار می زند و صدای خاموش دیروز را به گوش امروز می رساند.این قصه ها ، گاه تلخ و
گاه شیرین و گاه پر از اشک و مملو از لبخندند ، بازتابی از زندگیست که تنها در گذر زمان
رنگ و بوی واقعیت میگیرد.

امروز این افتخار را داریم که در این گفتگوی ویژه در خدمت جناب آقای محمد مهدی
ارجمندی مستندساز و تاریخ پژوهش باشیم.

همراه باشید.

درود بر شما جناب آقای ارجمندی، امیدوارم که روزگار به کامتان باشد و قلبتان لبریز از آرامش. ممنونم که دعوت ما را پذیرفتید و امروز **مجله_آنی** این افتخار را دارد که در خدمت شما بزرگوار باشد.



۱ / لطفا کمی در مورد خودتان بگویید؟
با سلام خدمت شما و مخاطبین محترم مجله آنی من محمد مهدی ارجمندی هستم، تاریخ پژوه و مستند ساز از سال ۱۳۸۵ اختصاصا کار پژوهش در تاریخ مشروطه انجام دادم و از سال ۱۳۹۰ در حوزه بختیاری و مشروطه فعالیت داشتم. در سال های اخیر بیشتر فعالیتیم در حوزه مصاحبه های تاریخ شفاهی بوده.

۲/ چه چیزی شمارا به سوی تاریخ شفاهی جذب کرد؟

مصاحبه هایی که بیشتر انجام دادم مصاحبه های تاریخی بوده با افراد که در وقایع تاریخی در قبل و بعد از انقلاب نقش و یا حضور داشته اند. هم برای فیلم های مستند و هم برای اختصاصا گفتگوهای تاریخ شفاهی. تاریخ شفاهی یکی از شیوه ها و روش های جدید در کار پژوهش در تاریخ است که برای شرح شناسایی وقایع و رویدادها و حوادث تاریخی بر اساس دیده ها، شنیده های شاهدان و فعالان مرتبط با اون واقعه می پردازد.

۳/ چه منابعی در تاریخ به عنوان منابع اولیه و ثانویه شناخته میشوند؟

منابع اولیه در زمان وقوع یا نزدیک به آن نوشته شده است این تعریفی است که ما میتونیم از منبع اولیه داشته باشیم. منابع ثانویه تحقیقاتی که سالها و یا قرن ها بعد نوشته شده و بعدها مورد استناد قرار میگیره، به عنوان مثال ما یک تاریخ مشروطه داریم به اسم تاریخ مشروطه ناظم الاسلام کرمانی که در زمان تاریخ مشروطه توسط ناظم الاسلام کرمانی نوشته شد یعنی ۱ سال بعد از آن وقایع از ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۸ و بعد تا زمان حیاتشان تکمیل شده، مواردی اضافه شد. یک تاریخ مشروطه ای داریم مثل تاریخ مشروطه ی ماشاله آجودانی به اسم مشروطه ایرانی که در دهه ۸۰ شمسی نوشته شد و یا ایران بین دو انقلاب از یرواند آبراهامیان، اینها میشه گفت تقریبا نیم قرن بعد نوشته شده بر اساس اسناد و بر اساس منابع اولیه اینها در غالب منبع ثانویه قرار داده میشوند.

۴/ نقش تفسیر شخصی مورخ در بازسازی گذشته چقدر مهم است؟

نقش تفسیر شخصی مورخ یا واقعه نگار منوط به این است که یکسری اقتضاعات زمان و مکان را در نظر بگیریم و در ظرف مکانی و زمانی خودش یک رویداد را قضاوت بکنیم، به عبارت ساده تر باید بی طرف باشیم و یا حتی اگر نسبت به یک شخص یا یک جریان سمپاتی داریم این را در قلممان نباید نشون بدیم، هنر یک مورخ یا یک وقایع نگار باید این باشه که درسته همیشه بی طرف بود و من نسبت به یک شخصی بغض دارم ولی در قلمم بایستی بی طرف باشم.

۵/ آیا تاریخ میتواند عینی باشد یا همیشه تحت تاثیر ذهنیت نویسنده است؟

مبحث عینی بودن بسیار مفصل و پیچیده است اما باز برمیگرده به همون بی طرف بودن. تقریبا محاله یعنی بخوایم بگیم که عینی بودن تقریبا میشه گفت محاله، به هر حال ذهنیت نویسنده تاثیر خودش رو میگذاره حتی اگر تصمیم این رو داشته باشه که بر اساس اصل عینیت اون رو دنبال کنه در عمل میشه گفت چیزی به اسم عینی بودن امکان نداره فقط میتونیم کنترل بکنیم تا حدودی در یک قالب و در یک چهارچوبی قرار بگیره.

۶/ فرآیند انتخاب پژوهش های شما در تاریخ به چه صورت است؟

فرآیند انتخاب پژوهش ها برمیگرده به زمانی، دوره ای، مکانی و محل واقعه بعد شخصیت ها، رجال سیاسی، قوانین محلی یا اون مکان هایی که مختص اون قوم بوده در ایران (به عنوان مثال ایران مشر.طه) و مرتببا قوم بختیاری و مکان هایی که قوانین از اونجا عازم شدند برای تصمیم گیری های مهم برای فتح اصفهان و برای فتح تهران

نقاطی که توقف داشتند، نقاطی که جنگیدند، مکان‌هایی که جلسه تشکیل دادند یا دو اردو بهم پیوستند مثل نقطه ای و شهری به اسم یعنی یک قریه کوچکه بادامک که نیروهای سپهدار تنکابنی و نیروهای سردار اسعد بختیاری به هم میپیوندند و میان به سمت تهران. پژوهش‌ها اینچنین فرآیندش انتخاب میشه بر اساس دوره مثلا: (دوره مشروطه، دوره استبداد صغیر و دوره ی کابینه ی صد روزه یا مثلا دولت در تبعید، کابینه ی نظام مافی) و یا بر اساس اون مقطعی از تاریخ ۲۰ ساله ی ایران از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تا سوم شهریور ۱۳۲۰.

۷/ در مواجهه با منابع تاریخی متناقض چگونه اعتبار سنجی انجام میدهید؟

اعتبار سنجی یک مبحثی است که به قدمت تاریخ بشر و تاریخ نویسی جای بحث داره جای سوال داره و اساتیدی که حداقل سند شناسی را در ایران بیناد گذاشتند مثل استاد "محمود افشار و استاد ایرج افشار و مرحوم باستانی پاریزی" صاحب نظر و جریان ساز بودند. اول از منظر بررسی و نقد تاریخی مورد بررسی قرار میدیم، نقد مورخ میشه نقد بیرونی یعنی کسی که گوینده خبر هست، راوی هست. نقد متن میشه درونی و کسی که نویسنده متن هست وابستگی این شخص راوی به جریان‌های سیاسی، اجتماعی، دینی. ک مذهبی ۸۵مه ی اینها در نگارش اون شخص تاثیر داره. مثلا: سند بسیار به رفع این تناقض کمک میکنه، اسناد مکتوب یا حالا که بعدها اسناد صوتی و اسناد تصویری هم به مجموعه اسناد اضافه شد. از دستورات، فرامین، تراجم، یادداشت‌ها، عکس‌ها، نقاشی‌ها، فیلم‌های آرشیوی در نقد متن بسته به دوره ای که کار میکنیم استفاده میکنیم سراغ اون اسناد میریم مثلا عکس، فیلم، مصاحبه، صوت، مکالمه تلفنی یا رادیویی همه ی اینها رو شامل میشه؛ کتاب‌هایی که شرح حال نویسی هستند، یادداشت‌های روزانه ای مثل یادداشت‌های روزانه ی ذکا الملک فروغی یا اسدالله علم در این دسته قرار میگیرند.

۱۸ چه تفاوت هایی میان تاریخ نگاری سنتی و مدرن وجود دارد؟

68



تاریخ نگاری سنتی بیشتر وقایع نگاری بوده و تاریخ نقلی ایست ولی از منظر تحولات تاریخ سیاسی پادشاهان و سلاطین به اون پرداخته شده اما در تاریخ نگاری مدرن از قرن ۱۸ میلادی به بعد رویکردهای متفاوتی که نسبت به حوزه علوم انسانی صورت گرفت در مورد تاریخ هم از علوم مختلف کمک گرفته شد و حوزه های مختلفی همچون جامعه شناسی تاریخی، جغرافیای تاریخی به وجود آمدند و حتی در علمی مثل پزشکی و زنتیک و حتی هواشناسی اون اقلیم اینبار به مورخان کمک کردند حتی تاریخ اقتصاد، تاریخ فرهنگی، تاریخ اجتماعی مورد توجه قرار گرفت و دانشمندان این علوم به علمای تاریخ کمک کردند و وارد این عرصه شدند. حتی رشته هایی مثل حقوق حقوق جزا، حقوق اقتصاد و جرم شناسی به علم تاریخ بسیار کمک کرده.

مثل اینکه ما میخوایم یک کشف داشته باشیم، به یکسری جواب ها برسیم، سوالاتی داریم منتهای اون مراتب صدسال، دویست سال، پنجاه سال از یک واقعه ای گذشته و میخوایم به جواب برسیم. علم جرم شناسی و مشتقات علم حقوق در اینجا بسیار به ما کمک میکنه. رویکرد تحلیل رشته های میان رشته ای تفاوت هایی هستش که در تاریخ نگاری سنتی و مدرن وجود داره.



۹/ مهمترین چالش هایی که در پژوهش های تاریخی با آن مواجه میشوید کدام ها هستند؟

مهمترین چالش ها یا مشکلاتی که ما به آن بر میخوریم دسترسی به اسنادی هست که در مراکز اسناد وجود دارد، بعضیها از بین رفته، بعضی ها در اختیار خانواده ها یا مجموعه دارهایی هست که نگهداری میشه ولی حاضر نیستند اون رو در اختیار محققین و پژوهشگرها قرار بدن، بعضی از اسناد هست که دسترسی به اون تقریبا غیر ممکنه مثلا در نهادی امنیتی و یا نظامی نگهداری میشه و باید در راس هرمی یا مدیریتی اون مجموعه تصمیم گرفته بشه که آیا اون اسناد منتشر بشود یا نشود چون یک مدت زمانی باید از اون بگذره شامل مرور زمان بشه و یا اینکه بعضی از اسناد هست که منتشر شده و در اون مرکز اسناد هم نگهداری میشه اما فقط میتونی رویت بکنی و پژوهش گر نمیتونه یک نسخه از اون رو یا یه کپی حالا یه یک فایل از اون رو بر روی یک سی دییا فلش دریافت بکنه اینها مسائلی هستش که در همه جای دنیا کم و بیش و در جامعه ی ما هم با توجه به ملاحظات و محدودیت هایی که وجود داره حالا خوشبختانه یا متأسفانه وجود داره.

۱۰/ تجربه یا خاطره ای که در حین پژوهش های تاریخی به یاد دارید اگر امکان دارد بازگو کنید؟

دسترسی به اسناد و کتاب هایی که سالها بدنبالش بودم و نسخه ای ازش پیدا نمیکردم وقتی به عنوان مثال در سازمان اسناد و کتابخانه ی ملی و یا در موسسه ی مطالعات تاریخ معاصر ایران پیدا کردم شیرینی و حلاوت خاصی داره چند قفسه مربوط به کتاب ها، اسناد و عکس های مرتبط با تاریخ مشروطه و تاریخ بختیاری پیدا کردم. فوق العادست اون حسی که اون لحظه به آدم دست میده.

۱۱/ نقش آرشیوها و کتب خطی و اسناد رسمی در تحقیقات تاریخی چگونه است؟

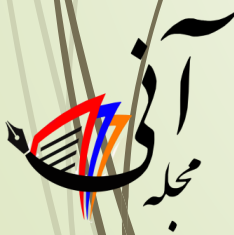
آرشیوها و کتب خطی خیلی تاثیر دارن در این تحقیقات مثلا : اسناد جز منابع دست اول به حساب میان ، منابع شامل کتاب ها هستند که شامل عکس، نقاشی ، دست نوشته ها، فرمان ها ، خواتیر و غیره و ذلک جز منابع دسته اول میشن و بسیار هم راهگشا هستند مخصوصا فرمان ها و دست نوشته ها مخصوصا از بین اینها باز اشاره میکنم به فرمان ها و دست نوشته ها و حتی مهری که یک شخص یک حاکم محلی یک خان طایفه پای اون سند یا پای اون عهدنامه زده اعتبار و ارزش تاریخی اون رو رسمیت داده .

۱۲/ چه دوره ها یا موضوعات تاریخی برای شما جذاب تر هستند؟ چرا؟

دوره قاجار از انقلاب مشروطه و دوره پهلوی اول برای من بسیار حالب هست البته زمینه ها و شکل گیری انقلاب مشروطه که برمیگرده به سالها قبل تر از انقلاب مشروطه یعنی تقریبا میشه گفت اگر بخواهیم به تاریخ میلادی عرض بکنم از ۱۸۹۶ میلادی تا ۱۹۲۵ میلادی.

۱۳/ چطور با مسائل و اختلاف نظرهای تاریخی برخورد میکنید؟

مثل سوال در مورد تناقض تاریخی مقایسه با منابع و روایت های مختلف.



۱۴/ چگونه یافته های پژوهشی خود را به زبان ساده و قابل فهم برای عموم در دسترس قرار می‌دهید؟

یافته ها رو بعد از جمع آوری اطلاعات و کار پایش اطلاعات انجام میشه وارد تنظیم اطلاعات میشیم که دیگه باید تدوین بکنیم که به جواب سوال پژوهش برسیم در قالب یک مقاله یا یک کتاب به سوالات اصلی و فرعی جواب میدیم . بر اساس نقل قول مستقیم و غیر مستقیم به اون منابعی که بهش اشاره کردیم ارجاع میدیم.

۱۵/ نقش تاریخ پژوهی در جامعه امروزی را چگونه میبینید؟

نقش تاریخ پژوهی در جامعه امروز هم به لحاظ سنتی و هم به لحاظ مدرن بسیار عقب مانده ایم مخصوصا با فناوری های روز دنیا در حوزه فیزیک ، شیمی و هوش مصنوعی در کشورهای توسعه یافته یک تیم حرفه ای از کارشناسان و متخصصان علم تاریخ در کنار مسئولین رده بالای کشورشان هستند اما ما کجا و آنها کجا . امیدوارم که روزی این اتفاق در کشور ما هم بیفته.

۱۶/ همکاری شما با گروه های تاریخی و افراد را برایمان بگویید؟

جاهایی که من باهاشون همکاری داشتم از قدیم انجمن ایرانی تاریخ ، انجمن فرهنگ بانان بختیاری ، انجمن تاریخ شفاهی ایران، موزه تصاویر معاصر جناب آقای حسین دهباشی، موسسه مطالعات تاریخ معاصر و جناب آقای دکتر مرتضی رسولی پور از اساتید تاریخ شفاهی.

۱۷ / برای دانشجویانی که تازه وارد حوزه پژوهش تاریخ شدند چه توصیه‌هایی را دارید؟

72

بنده به عنوان یک عضو بسیار کوچک از خانواده تاریخ ایران این هستش که در کنار مطالعه ی کتاب های تاریخی در کارگاه های سندشناسی و تاریخ شفاهی و خط و زبان های مختلف شرکت کنند تا تسلط پیدا بکنند. منبع شناسی رو یاد بگیرند؛ به صورت تخصصی در یک مقطع خاص کار بکنند ، قدرت تحلیل داشته باشند (قدرت تحلیل تاریخی) راجع به روش های پژوهش در تاریخ مطالعه بکنند ، روش پژوهش بسیار مهم هستش (روش شناسی در تاریخ) که اساتید بزرگ تاریخ مثل : مرحوم ایرج افشار به اون اشارات مهمی داشتند و فیلم ببینند ، فیلم مستند ببینند ، نسبت به تاریخ معاصر کشورشون بی تفاوت نباشند. از عکس های قدیمی هنر نوع عکسی از نقاشی هایی که حتی از دوره باستان به جا مانده تا به امروز غافل نشوند بعد سند شناسی رو شده در اطرافیان خودشان (سند ازدواج و یا دست نوشته هایی که از قدیم مونده رو) بخونن، ببینند، یاد بگیرند؛ با سبک نگارش قدیم آشنا بشن و نکته دیگه اینکه به خاطر داشته باشند که تاریخ بسیار بی رحمه ، تاریخ یک تیغ دو لبه هست که هم به ما آموزش میده نکات مختلف رو یاد میده و همیشه تکرار شده و بعد از ما هم تکرار خواهد شد و اینکه در کنار خوبی هاش تاریخ بسیار بی رحمه و باید با تاریخ دوست بود ، تاریخ رو نباستی از خودمون برنجونیم. به عنوان یک کتابی که در قفسه کتاب داره خاک میخوره نباستی به این علم نگاه کرد مثل یک موجود زنده مثل یک انسان یا یک حویان یا گیاهی که حیات داره باید به تاریخ نگاه کرد ، باید باهاش حرف زد درد و دل کرد اونجاست که اونوقت برای آدم راهگشا میشه میتونه خیلی به آدم کمک بکنه در شرایط خاص در لحظات حساس میشه تصمیمات درست گرفت مثل همان جمله معروف و کتاب معروف:



گذشته چراغ راه آینده است

ممنون از همراهی شما تک تک عزیزان و بزرگواران و همچنین با نهایت سپاس از جناب آقای ارجمندی برای حضورشان در مجله آنی و گفتگوی بسیار زیبایشان.

- ممنون از وقتی که در اختیار بنده گذاشتید و مجله وزین انی رو زحمت میکشید و به چاپ میرسানید ، انتشار یک مجله علمی - ادبی و فرهنگی در این زمانه بسیار کار مهم و تاثیر گذر و پرباری هستش. دست مریزاد و خدا قوت میگم به شما سرکار خانم آرزومانیان.

تنها چیزی که به عنوان صحبت آخر میتونم بگم این هستش که هر علم و هر دانشی رو علاقمندان هر حوزه ای دوست دارند یاد بگیرند دنبالش برن اما دو چیز رو میتونم به عنوان توصیه از بزرگان از زمان ارسطو تا به زمان روشنفکران معاصر مون بیان کنم :

اول اینکه اگر خواستید در جامعه تاثیر گذار باشید و دنبال فلسفه نرفتید و حرف های فلاسفه برای عوام مردم سنگین بود میتونید با شعر و ترانه و ادبیات داستانی این رو به مردم یاد بدید مخصوصا شعر و اگر اون کار رو به هر دلیلی امکانش رو نداشتید که انجام بدید تاریخ رو دست کم نگیرید بلی :

تاریخ بس تکرار دارد که اسکندر گهی چنگیز دارد

سرشار از عشق باشید خدانگهدارتان

گفتگو در مورد تاریخ پژوهی - گفتگو در مورد حافظه جمعی است روایت هایی که هویت میسازند - مسیر میکشایند و پرسش بر می انگیزانند.

امیدوارم این گفتگو زمینه ای باشد برای تامل بیشتر - خواندن عمیق تر و باز اندیشی در آنچه گذشته می نامیم اما هنوز اما هنوز با ما زندگی میکند.

تا دیداری دیگر در سایه ی خداوند پاینده باشید و اندیشمند بمانید.

تا درودی دیگر به درود



برای ارسال آثار خود و همچنین داشتن مصاحبه
با مجله آنی با شماره واتساپ و تلگرام زیر
تماس حاصل فرمایید:



۰۹۲۲۳۷۸۹۱۸۰

[t.me/ani letters](https://t.me/ani_letters)
www.ani_letters.com
[@anita_arzoomanian](https://www.instagram.com/anita_arzoomanian)



ANI PODCAST